

آقایان و خانم‌ها حواسمان به شما هست

درباره واشقانی و افشاری و مومن و ان یکی افشاری و حبیبی و قاسمی و یوسفی و ...

● **اوستحق** فرجام بهتری است / قصه های گمشده ● **روایت تنهایی و عشق در دوران مدرن / افزایش نگرانی ها درباره وابستگی عاطفی کاربران به «جت جی پی تی»** ● **سفر در زمان / هشت وسیله ای که خریدشان دل دوستداران نوستالژی را شاد می کند** ● **این قاتل ها با ما زندگی می کنند / راز برخی از پرونده های جنایی هرگز گشوده نشده و قاتلان به دام قانون نیفتاده اند** ● **آغاز یک فصل متفاوت / فصل جدید لیگ برتر با اتفاقاتی جذاب و مهم از امشب آغاز می شود** ● **این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید**

بازار داغ اسکوترهای زیر ۲۰ میلیون تومان

شش موتوری که به درد خیابان‌های پرترافیک این شهر شلوغ می‌خورند صفحه ۰۵ را بخوانید



لیگ اشرافزادگان ہفت قارہ

آنچه باید درباره لیگ برتر انگلیس، جذاب ترین رقابت فوتبال باشگاهی اروپا بدانیم

در بسته آخر هفته بخوانید:

- **امسال هم تابستون کوتاهه؟**
شوخی‌ها و طنزهای شبکه‌های مجازی در هفته گذشته
- **چالش خانم کیان افشار در غربت**
درباره کارنامه یک بازیگر پر کار کم حاشیه
- **آغاز یک فصل متفاوت**
فصل جدید لیگ برتر ایران از امشب شروع می‌شود
- **کار آگاهان و اغواگران**
چهارمین قسمت از باورقی دیوبست و پنجاه فیلم

دکتر امیر رضا ماسون پنجشنبه

دکتر امیر رضا مافی

واقعیت «ناگهان»

سال دو هزار و شانزده، سریالی به نام بازمانده گریزه در ای بی سی، با بازی کیفر ساترلند منتشر شد که این روزها خیلی به فصل اول آن فکر می‌کنم.

سال در ایالات متحده، رئیس جمهور با حضور در تگما، در برابر نمایندگان مجلس، سسناتورهای سنا برای مقامات رسمی آمریکا، سخنرانی وضعیت کشور را انجام می‌دهد و در آن برنامه‌های یک سال بعد بود را تشریح می‌کند. با توجه به قانون اساسی آمریکا تحت هیچ شرایطی انتخابات ریاست جمهوری در پیش از موعد بر گزار نمی‌شود و خط جانشینی در کلیف رئیس جمهور بعد را روشن می‌کند، در سخنرانی وضعیت، به دلیل آنکه تمام افراد خط جانشینی در کنگره حضور دارند و احتمال این وجود دارد که همگی با هم از بین بروند، یک نفر از وزرا که انتصاب فاجانشینی است را برون از ساختمان در جای محافظت شده قرار می‌دهند تا اگر اتفاقی رخ داد، او رئیس جمهور آمریکا شود. سریال بازمانده گریزه، داستان انفجار در کنگره و رئیس جمهور بدن وزیر استعفا داده مسکن در آمریکاست که در موقعیت ناگهانی رادی گرفته و باید کشور را اداره کند. با چالش‌های زیادی مواجه می‌شود و بار بار، راهی دیگر، ما می‌تواند کارش را بالاخره پیش ببرد.

هفته پس از انتشار اسامی وزرای پیشنهادی، موجی جیپی از حمایت‌ها و مخالفت‌ها بلند شد. تحلیل‌های اوآنی نوشته شد، هر کس از ظن خودش به موضوع دولت پرداخت. اما چیزی که شاید کمتر به آن توجه شد، چراپی امیدآمدن چنین موقعیتی است. از دست رفتن رئیس‌جمهور فقید، در یک سانحه دلخراش اوآیی، کشور را در موقعیت «گانه‌ای» قرار داد. موقعیتی که نظیرش از چهار دهه پیش تجربه کرده شد. مردم طبق قانون باید انتخابات ظرف یک پنهان روز برگزار می‌شد. جناح‌های سیاسی فاقد آمادگی برای حضور در انتخابات بودند. چهره‌های تکراری دوباره نامزد شدند؛ اما میان ایشان صلاحیت شش نفر تأیید شد. چهار نفر برای بار دوم و به‌بیشتر و دو نفر چهره جدید. انتخابات با سرعت زیادی طی شد و دکتر پش‌شک‌زاد برای اولین بار در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران صلاحیت شده بود، بعد از برگزاری انتخابات در دور اول دوم با اختلاف اندک آراء، «تانهان» رئیس‌جمهور شد. در انتخاب پیش‌بینی نشده، هر یک از رقیب‌ها به سمت و سوی دیگری حرکت می‌کرد. ریل‌شک‌زاد که در تمام این سال‌ها، به عنوان نماینده مردم تبریز و یک پدر بزرگ دوست‌داشتنی در خدمت مردم شهر و خانواده خودش بود، حالا «تانهان» ریاست‌جمهوری را به تن داشت. بعد از حدود چهار روز او در مراسم تنفیذ و تحلیف شرکت کرد. «باز «تانهان» اسرائیل در قلب تهران، دست به یک یوانگی پلید زد و اسماعیل‌هنیه را که روز قبل دست دست رئیس‌جمهور جدید بود، به شهادت رساند. کشور وارد فضای جنگی با رژیم صهیونیستی شد و اولین روز کاری رئیس‌جمهور در شورای عالی امنیت ملی و بررسی واقعه گذشت و انگار فضای دیدنی پیش پای او قرار گرفت. موقعیت «تانهان»، نسی رخ داد پی‌درپی اتفاقاتی که پیش‌بینی شده، کسی که در این موقعیت قرار می‌گیرد، در برابر دشواری پیش رو دارد. پش‌شک‌زاد، یک مومعیت آرام، از روی صندلی ماشین پژو را به وزارت کشور برسد، پرتاب شد به صندلی در تانک کشور که با صد به رفتن و رفتن تمام امور اجرایی درازان. **دانه در ۳۰**

فروپاشی امپراطوری شاخ‌های مجازی

نگین باقری ادوباره اسم ساشا سیحانی به صدر اخبار رسید. بلبشته این بار در مکاتبات رسمی و نامه از قوه قضائیه به وزارت امور خارجه، ساشا یکی از مهرهای اصلی باقی ماندن از یاران پدر سایت دیگ قمار و شرط بندی است. اگرچه سبب باز آن کوچک دیگوار هنوز این سر و آن سر دنیا به تنگای خود ادامه می دهند اما هیچکدام به اندازه ساشا، مرد ۳۶ ساله ایرانی اسکیاسیان، در فرب اپرانی نافهؤز نداشته اند.

روزهایی را به یاد بیاورید که جمله کلیدی اینستاگرام همه بلاگرها و شاخ‌های اینستاگرامی به این ختم می‌شد: «این صفحه رو بکش بالا و وارد سایت شو.» آنهایی که وارد شدند، پولی وسط می‌گذاشتند و شرط‌بندی می‌کردند اما در نهایت با سایت فیسبک و حساب افراد ا‌ا خالی می‌کرد یا به هیچ‌وجه امکان برنده‌شدن در آن وجود نداشت یا اگر هم برنده می‌شدند، دیگر کسی پاسخگو نبود. همه هزاران نفری که آنطور بازی خوردند، معمولاً به فالوئرهای شاخ‌هایی مثل دنیا جهان‌بخت، داوود هزینه، ساسا ماتکن، ساسا سبحانی، میلاد حامی و ده‌ها چهره بزرگ بودند. افرادی که با رفتارهای عجیب و غریب میلیون‌ها فالوئر می‌گرفتند و با نشان دادن ثروت خود، بقیه را هوایی می‌کردند که وارد کسب و کار شرط‌بندی شوند. در چند سال گذشته، ترک کیه تبدیل به اینها خلوت این چهره‌ها شده بود اما در نهایت بسیاری از اینها به ایران دیپورت کرد و تحویل پلیس ایران داد. با این حال، هنوز هم ترک و توک چهره‌های مهمی از این باندهای کلاهبردارانه باقی مانده که خالی کردن جیب دیگران، پول روی پول گذاشتند و به دام پلیس نیفتادند. مثل همین ساسا سبحانی که روز سه‌شنبه عزات امور بین‌الملل قوقاضیان در نامه‌ای به سرپرست وزارت امور خارجه خواستار استرداد او از اسپانیا شد. از ساسا و بقیه باریکران این سایت‌ها چه می‌دانیم؟

ساشا سیحانی: اتهام ساشا یا همان محمدجواد سیحانی، مشارکت در قمار و شرط بندی و قرب نوجوانان ایرانی و سوءاستفاده از کودکان زیر سن قانونی و پول شویی است. ایران از اسپانیا درخواست کرده تا دلیل اتهام ها، او را به پلیس تحویل دهند. او متولد ۱۹۴۷ در فرزند یکی از سفیران قدیمی برزیل بود و به دلیل همین تناقض، بدون تلاش خاصی خیلی زود مشهور شد. قبلا هم به اتهام قتل برهنه دو قضایی برای ساشا تشکیل شده بود اما ماجرای کلاهبرداری ها فرقی داشت. خرداد ۱۴۰۱ پلیس قناتام نتواند، دلیل جهانیان ساشا سیحانی را اعلام کرد و گفت، اطلاعاتی که پلیس در اختیارش دارد، به اندازه کافی برای اثبات اتهامات او نیست. برزیل بود و بعد به اسپانیا نقل مکان کرد. سال ۱۳۹۹ به

7 07
شماره اختصاصی رو

اتهام قاچاق انسان در این کشور بازداشت شد اما خیلی وقت است که زندگی ازادانه خود را در براسلوا به عنوان شهروند اسپانیایی ادعا می دهد. تمام صفحه اینستاگرام او پر از تصاویر خانوادگی و پرستارهای بیمارستان و ماشین های لاجر، قایق و هواپیماهای شخصی. ساشا از چند سال پیش به خوانندگی رو آورد و همان طور که انتظارش هم می رفت، اقبالی در این راه نداشت.

دنیا چه اینست: زهرا یا همان دنیا چه اینست از اولین زمانی بود که وارد کسپو کار سایت های شرطبندی شد و باز با همان روش دیدن کردن افراد به سایت های قلابی، کالاهای ارزان تر را برداشت. او که امروز ۳۴ سال دارد، ابتدا با یک معرکه که گیری درباره ارتباط با ساسی مانتن به شهرت رسید و کم به حواشی دیگر مثل ازدواج و طلاق با مهرداد جمیع، ارتباط با تنلو و افراد مشهور دیگر تعداد فالوورهایش را به ۱۶ میلیون رساند، و هم جای او را زندگی می کرد.

آن زمان به ایران هم رفت و آمد داشت اما بعد از تشکیک پوربند دیگری به ایران سفر نکرد و در پله بعدی، ساکن آمریکا شد. حالا همه بین لندن، آمریکا و دوی در رفت و آمد است. اینکه این سایت‌های کلاهبردار که کم‌کم تخته نشسته‌اند دنیا به ساشا به دلیل زندگی خارج از ایران هنوز مشغول تبلیغ سایت‌های مشابه هستند. سایت‌هایی که همه تحت هدایت فردی به نام عبدالله و فرید امیر ششاقی هستند. همه کسب و کار آنها در کلاه‌داری به سایت شرطبندی خلاصه می‌شود. متأسفانه از استراتژی‌های دیگر و اوضاع سیاسی که آمد، تبلیغ سایت‌های پانزی است. کلاه‌داری پانزی به روش‌هایی شبیه به کوروش کمپانی گفته می‌شود که با مبلغ کم سرمایه‌گذاری، سود زیادی به افراد می‌دهد. این سود زیاد برای سرمایه‌گذاران قدیمی با پول سرمایه‌گذاران جدید پرداخت می‌شود.

سعد الله و فرشیید امیر شقاقی: این پدر و پسر سرشکبه همه این سایت‌های قمار بودند. سایت‌ها را چطور طراحی می‌کردند؟ یک خاسته اصلی شرط بندی را تصور کنید که با پوسته‌های مختلفی فعالیت می‌کرد. یعنی زیر مجموعه خود چندین سایت متفاوت دارد که به پتل اصلی (به نام بنیغیت بت) وصل هستند. امیر شقاقی که هر کدام از این سایت‌ها را هم به یکی از این شاخ‌ها مثل دنیا، ساشا، تتلو و قیقه افرادی که اسمشان در ادامه آمده می‌دادند و هر از چند گاهی برای اینکه گیر نیفتند آدرس سایت را عوض می‌کردند. هر کدام وارد بازی در این سایت‌ها می‌شد. پول را واریز می‌کرد و مبلغ به حساب او انتقال داده می‌شد. افراد تبلیغ کننده تظاهر می‌کردند که خودشان از طریق یک

0 200 1

سرنوشت پرونده ۱۴چهره
اینستاگرامی که با کلاهبرداری
از مسیر سایت‌های شرط‌بندی،
فیشینگ و ترندهای پانزی
هزاران ایرانی را فریب دادند

سایت‌ها در مدزایی دارند در حالی که خودشان مدیر این سایت‌ها بودند که پول مردم را به صورت در صدی بین خود و فرسید و سعدالله تقسیم می کردند. فرسید یک جوان متولد ۱۳۶۹ است که به موئتگی شهرت دارد. او اقامت کانادا داشته و به همین خاطر هم هنوز به نام پیغمبر سعدالله، پدر فرسید ساکن تر کیه بود. سعدالله همچنین ادعا می کرد که پزشک، مربی رقص و صاحب یک آژانس مدلینگ است و در همه این سال‌ها با نمایش ثروت و زندگی لاکچری خود مخاطبان را مسحور می کرد. این‌ها تا اینکه به نمایندگی برای امان تر کیه با ریدیایی این سایت‌ها قمار به نام سعدالله رسید و در نهایت با پیگیری های او بازداشت شد. تر کیه می گوید اتهام او پولشویی است هنوز خبر رسمی از انتقال او به ایران نشده و ولی با توجه به اینکه تابعیت تر کیه از سعدالله شیب دیده احتمالا سرنوشتی مشابه میلاد حاتم، خواهد داشت. میلاد حاتم، کی بود؟

۲ میلاد حامنی: میلاد حامنی سال ۱۳۹۹ با دانش و بعد از دیپورت به ایران با اتهام افساد فی الارض، اخراج از نظام پولی، پولشویی و اداره مرکز قمار و تشویق به فساد بازداشت شد. بازداشت حامنی غیرمنتظره ترین اتفاقی بود که برای این بلاگرهای ساکن ترکیه اتفاق افتاد. حامنی، با استفاده از اینستاگرامش فعالیت‌های تبلیغاتی دو سایت شرط‌بندی را پیش می‌برد و ادعا می‌کرد ماهانه با بازی در سایتش بیش از ۲۰۰ میلیون تومان درآمد دارد. یکی از روزهای کرپشن ترکیه به علت کونا، حامنی سوار بر ماشین پلیس این کشور شد استوری منتشر کرد. مردم ترکیه از این ماجرا شاکي شدند و ویدئویی را استوری توئیٹ کردند. پلیس ترکیه در کمال ناباوری او را بازداشت کرد. تصور این می‌رفت که ماجرا با پرداخت جریمه حل شود اما ترکیه از تحویل پلیس ایران خودداری نکرد. حامنی بازداشت شد، در اعتراض‌های تلوپوینی روی تخته‌اسامی همه یاران خود را نوشت. اول از همه پدر و پسر امیر شقایق و بعد ساشا سبجانی از مهره‌های اصلی بودند. داوود هزینه نذا دناسی، علیتمس، سیجیل، کلسه، لیوئر و بلاگرهای بودند که حامنی اسامی آنها را به عنوان مهره‌های سایت‌ها اعلام کرد. او اولین نفری بود که توضیح داد الگوی کار کردن این سایت‌ها چطور بوده. در اولین مصاحبه‌ای که پخش شد گفت: «درآمد از باخت کاربران بود. قمار در کل باخت است. شرکت کننده بر طمع اینکه پولش را زیاد کند، می‌بازد و به علت باخت، برای جبران زیان، اضافه‌تر می‌بازد.» او هنوز در زندان است و حکم نهایی اتهام‌هایش صادر نشده.

صادر نشده. ادامه در صفحه ۳۰

عبور از دالان‌های پریچ و خم سیاست

خاطرات خواندنی حسن روحانی از مکانیسم
پیچیده انتخاب وزرا و معاونین در سال ۱۳۹۲

این متن شگفت‌انگیزی است که سایت حسن روحانی از خاطرات او در اولین روزهای پس از پیروزی انتخابات سال ۱۳۹۲ منتشر کرده است. یک بازخوانی شگفت‌انگیز تاریخی، متن بسیار مفصل بود و منی از آن را حذف کردم اما هنوز هم پر از اشاره‌های خواندنی و جذاب درباره شخصیت‌های مهم سیاسی است و تصویری کامل و جامع از فرآیند انتخاب وزرا و معاونین در سیستم جمهوری اسلامی. این روزها که پژوهشگران درگیر کاینده عارفی شده خود است خواندن این مطلب بیشتر کارساز خواهد بود.

🔴 روز شنبه نهم تیرماه ۱۳۹۲ رسماً فرآیند انتخاب وزرا شروع شد. سرعت در انتخاب کابینه و آغاز به کار دولت تدبیر و امید اولین هدفگذاری من پس از ریاست جمهوری بود، چون تغییر سیاست‌ها را بدون تغییر مدیران ناممکن می‌دانستم و نمی‌خواستم کشور معطل دولت باشد.

🔴 اولین وزیری را که قطعی کردم دکتر محمدجواد ظریف بود تا پس از تشکیل نهاد دولت اولین برنامه سیاسی دولت هم شروع شود. پس از آن در همان روز با دکتر اسحاق جهانگیری دیدار کردم و در حالی که اختلافاتی با او کردم کردی وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت) پیشنهاد شود به او پیشنهاد معاونت اول را دادم. این پیشنهاد غیرمنتظره بود چون حتی دوسان آقای جهانگیری می پیشنهاد می کردند ایشان نهایتاً وزیر کشور شوند. پیشنهادی که جهانگیری از آن ادا داشت چون بعدند مجلس اصولگرا به وزیر کشور اصلا مطلب رای دهد. اما من جهانگیری را از مجلس می شناختم و کارنامه او را در راجع در توسعه صنعتی ایران به خصوص پس از ادغام وزارتخانه های صنعتی را مثبت می دانستم و مواضع سیاسی او را هم معتدل می دانستم و کم و بیش در جریان دیدگاه مثبت مقام رهبری بودم.

در مورد محمد جواد ظریف هم او را از دوران قطعنامه ۵۹۸ می‌شناختم. از سوی دیگر از رابطه خوب ظریف با دفتر رهبری هم بی‌اطلاع نبودم.

همان روز با آقای عباس آخوندی هم دیدار کردم. او به تصدی وزارت کشور فکر می‌کرد... از تصدی وزارت مسکن ابا داشت چون فکر می‌کرد که همان دوره‌ای که در این وزارتخانه بوده کافی است.

❗ برخی انتخا ب ها البته قابل پیش بینی بود. مانند آقای نجفی برای وزارت آموزش و پرورش و آقای زنگنه برای وزارت نفت و حتی آقای ظریف برای وزارت امور خارجه. اما کسی فکر نمی کرد من آقای چنگیزی را برای معاونت اول و آقای رحمانی فضلی را برای وزارت کشور یا آقای علی جنتی را برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دکتر حسن قاضی زاده هاشمی را برای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معرفی کنم.

البته من هم برای وزارت آموزش و پرورش و هم برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دو گزینه دیگر را در نظر داشتم، دو تن از زنان ایران که به نظر من شایسته این مقام بودند اما به دلایلی این اتفاق افتاد. وقت آن رسیده بود که زنان وارد عالی تره مسئولیت‌های دولتی شوند.

به‌خصوص که محمود احمدی‌نژاد خانم مرضیه وحید دستجردی را به عنوان وزیر بهداشت انتخاب کرد و مجلس هم به او رأی داد اما عوانی این مسئله را نپذیرفت کرد و به نتیجه مطلوب خود نرسید. **ادامه در صفحه ۱۳**



0920 200 17 07

شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی

از طریق پیامک ، تلگرام و واتساپ

دستور زبان عشق

من اهل دوست داشتنم

تواهل کجایی؟

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهارم | شماره ۲۸۴۲ | پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۲
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مرنانی

آقایان و خانم‌ها حواسمان به شما هست

درباره واشقانی و افشاری و مومن و آن یکی افشاری و حبیبی و قاسمی و یوسفی و ...

ا در هجوسم و هجمه‌های بی‌پایان سه دیدگاه‌های مثلاً روشنفکری که از منابر و محافل مختلف در چپ و راست و داخل و خارج انجام می‌شود، دیگر فرق دوع و دوشاب از بین رفته و لوث شده است و کم فروشان خوش اقبال از این هیاهو و این شلوغی پهر می‌برند و به عنوان هنرمند محبوب مردم با کمترین کار ممکن دستمزدهای غیرمنصفانه می‌گیرند، مثل برخی از فوتبالیست‌ها که رقم دریافتی‌هایشان تناسبی با مهارت‌ها و بازدهی‌هایشان ندارد.

بگذارید رک بگوییم: بهرام افشاری، الناز حبیبی، بهاره افشاری، مریم مومن، مجید واشقانی، آشا محرابی، ارسلان قاسمی، شهیدآ یوسفی، هومن حاجی عبدالهی، سمانه پاکدل، پوری پور سرخ، ... ماهوز هیچ حرفی که شما را مستحق محبوبیت دوبینگی‌تان کرده باشد ندیده‌ایم. هنوز لحظه خاصی از بازیگر شما را دریافت نکردیم. به نظرمان برخی از شما اصلا جذاب هم نیستید فقط در گمدها و چرخه خاص فیلم‌های کمدی و رئالیستی شوهای تکراری روی شناس بوده‌اید.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا به نظر من این که میگن شرایط، تعیین کننده رفتارهای انسانه و در شرایط ایده‌آل همه، آدم‌های خوب و معقولی هستن، کاملاً حرف درستیة. یعنی تا وقتی که همه چیز بر وفق مراده، نمیشه درست تشخیص داد که با چه شخصیتی روبه‌رو هستیم... یکی از شرایطی که شما می‌تونین تشخیص بدین سئوزه مورد نظر با خودش چند خنده، همین گرمای هواس. و گرنه در هسوا۱ خندک و مطبوع بهاری که همه خوش اخلاق و با فرهنگ ... یکی از بستگان من، آقای هستن بسیار معقول و ادیب. همیشه با مصاحبت با ایشان لذت می‌برم، چرا که بسیار زیر حرف می‌زنه و دایره لغاتشون ملول از استعاره‌ها و کنایه‌های ادبی خاصه. بر شاعر شاعران بزرگ، بسیار مسلطه و بسیار هم زیبا شعر خوانی می‌کنه. بسیار بر ادب سخن، اصرار داره و همیشه میگه که لغت، حرمت داره و هر کلمه‌ای نباید بر زبان جاری بشه.

به همراه ایشان، برای انجام یک کار مشترک اداری، باید تا جاده قم می‌رفتیم. خیلی خوشحال بودم که چند ساعتی با ایشان همسفر و کلی شعر و حکایت می‌شنوم و پندهای می‌گیرم. قرارمون به این صورت بود که من به تاکسی اینترنتی بگیرم و در مسیر، ایشان رو هم سوار کنم. به دلیل ترافیک، حدوداً با نیم ساعت تاخیر به سر قرار رسیدم.

به محض این که سوار ماشین شد، بعد از سلام و احوالپرسی شروع کردم به عذر خواهی و توضیح که تاخیر به لایلی بوده که از دست من خارج بود. زیر لب می‌چیزی گفت و شروع کرد به باد

مطمئن باشید ما بی‌انصاف نیستیم. هرگونه حرکت شما در وادی هنر و عفریزان روح را دنبال می‌کنیم. برای همین است که نازنین بیاتی را از فهرست خارج کردیم چرا که نشانه‌هایی از نوعی تسلط حرفه‌ای را در بازی‌های آخر او می‌بینیم. یا مثلاً سسما تیرانداز و خاطره حاتمى و محمدرضا علیمردانی که هنرشان را در دوره‌های دیگر به ما ثابت کرده‌اند و می‌دانیم کسه چه مابهایی دارند. یا پژمان جمشیدی و سام درخشانی را در این فهرست قرار نداده‌ایم چرا که در لحظات و دقایقی بازیگران خوبی هستند. ان قدر حواسمان هست که تکاپوی هستستی مهدوی و یا احمد مهرانفر را ببینیم. با حتی ایمان صف‌ا و رضا نیکخواه. تلاش حرفه‌ای الناز شاکر دوست. اما آن دوستانی که در فهرست ذکر کردیم هنوز در انتظار هنرمندی‌شان هستیم. این که به عنوان یک بازیگر و یا یک سرگرم کننده ویژگی خاص خود را نشان بدهند. هر قدر هم از اقبال مردم بر ایمان بگویید و کنسرت‌های سولدوات شده و پدر خوانده‌ها و مافیاهای پشت سر هم نظرم‌ان تغییر نخواهد کرد.

اگر قرار باشد بی‌رحم باشیم بگذارید بگوییم که مه‌ران مدبری در ساعت ۶ صبح یک شکست کامل را تجربه کرده است اما خب او مهران مدبری است و ما جایگاه بلندش را می‌دانسیم هر چند خودش انکار نمی‌داند. اگر قرار باشد بی‌رحم باشیم بگذارید بگوییم که از ماکان بند و هوروش بند و آرش ای‌بی امیر مقاره یک خواننده زیر متوسط و یک بازیگر بسیار بد است. محبوب است؟ نوش جان! اما در واقعیات تغییری ایجاد نمی‌کند.

۲۱ امروز لیگ ایران شروع می‌شود. استقلال ده با یک‌گن جدید گرفته شامل سه خارجی: پرسپولیس هشت بازیکن گرفته اما سه چهارتایشان همان قدیمی‌های پرسپولیس هستند مثل سرلک و پورعلی گنجی و احمدزاده و علیپور. سپاهان هفت بازیکن گرفته همه مستعد اما جای خالی الان حضور زاین خاں خود را نشان بدهند. ما مغالو به این سادگی‌ها پر نمی‌شود و تراکتور هم با ۴ پرسپولیسی و دوتا خارجی احتمالاً به تیم قوی‌تری نسبت به سپاهان تبدیل شده باشد.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أول ما یوضّع فی میزان العبد یومَ القیامَةِ حَسَنُ خَلْقِه

نخستین چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال بنده گذاشته می‌شود، اخلاق خوب‌اوست.

قرب الإسناد(ط–الحديثه) ص ۴۶، ج ۱۴۹

منتخب

سایت نگار

✿ **خبر آنلاین به شکل غافلگیر کننده‌ای مطلبی درباره ملوک ضرابی کار کرده است:**

«اقبال السلطان» خواننده دربار محمدعلی‌شاه قاجار به او گفته بود که تو «مکدانی» و به همین جهت در همان سنین ۱۴ و ۱۵ سالگی که برای پر کردن صفحه گرامافون با کمپانی «هیز مستر ویس» مذاکره کرد در همه‌جا به «مکدان اقبال السلطان» معروف شده بود. از ملوک فروش فروش کاشانی ملقب به ملوک ضرابی حرف می‌زنیم، یکی از معروف‌ترین خوانندگان موسیقی سنتی نیمه نخست قرن ۱۴ خورشیدی و همان کسی که تصنیف معروف «مرغ مسحر» را برای نخستین بار خواند. ملوک در تابستان ۱۳۳۱ حدوداً ۴۳ ساله و ۲۵ سال بود که آواز می‌خواند و به دریافت چندین نشان مفتخر شده بود که مهم‌ترین‌شان یکی نشان درجه سوم علمی و دیگری نشان درجه اول هنر بود. او در این برهه دیگر نه فقط یک خواننده معروف که یک خَبر بزرگ هم بود؛ کسی که ۳۲ دختر و پسر را به فرزندخواندگی پذیرفته و خرج زندگی‌شان را می‌داد. در همین دوران خبرنگار مجله اطلاعات هفتگی (ف نیکخواه) به خانه او واقع در بازار چره می‌رفت. ملوک ضرابی در دیدار با او از زندگی خود گفت و این که از کجا آواز را آغازیده و چه مصائبی را در این مسیر پشت سر گذاشته است. بخش‌هایی از این گفت‌وگو را به نقل از مجله یادشده مورخ ۲۴ مرداد ۲۱ در پی می‌خوانید:

من با این که به کاشانی بودنم معروفم ولی محل تولدم تهران است و در تهران هم پرورش یافته‌ام. پدر بزرگ من مرحوم حاجی جعفر بود که در فین کاشان به مناسبت صوت خوشی که داشت به حاجی جعفر بلبل معروف شده بود و هنوز وقتی من به کاشان می‌روم پیرزنان قینی می‌گویند این ملوک همان ملوک حاجی جعفر بلبل است. پدر هم دارای صدایی خوش بود چنان که ساکنین محله بازارچه مروی از صوت خوش قرآن واذان او لذت می‌بردند و من هم روی همان حساب که فرزند حلال‌زاده او بودم، صدای خوش خود را از آن‌ها به ارث بردم. من همان روزها که میان دخترپه‌چاه‌ها آواز می‌خواندم احساس کردم که صدای من از دیگران خیلی بهتر است و دیگران هم برای صدای من ارزش قائل می‌شوند به همین جهت به موسیقی علاقه‌مند شدم و در چادر و چاقچور به سراغ معلم موسیقی رفتم. چند سال دور از چشم پدر و مادرم که مردمی متعصب و مذهبی بودند نزد اقبال‌السلطان، طاهرزاده، درویش خان تعلیم گرفتم و مخصوصاً پایه ضرب خودم را پیش حاجی خان عین‌الدوله درست کردم و ۱۴ یا ۱۵ ساله بودم که برای اولین مرتبه کمپانی مستر ویس از من دعوت کرد صفحه پر کنم.

✿ **بنابر گزارش دیده‌بان ایران، «مسعود درستی» از مدیر پرست شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) کنار گذاشته شد و «نعمت‌الله فرزنان پور» که سابقه فعالیت در قرارگاه خاتم را دارد سر پرست متر و شد. دلیل برکناری درستی از این سمت، افشای عدم پرداخت پیش‌پرداخت قرارداد خرید واگن‌های مترو از چین توسط دولت رئیسی است.**

درستی در سال گذشته،مدیرعامل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه بود که بعد از خرابی مکرر قطارهای مترو و بله‌برقی‌ها، در روزهای پایانی اسفندماه‌از سمت خود استعفا داد و سپس با حکم رازگانی به سرپرستی شرکت راه‌ان شهری که مسئولیت احداث تونل‌ها و تامین قطارها و تجهیزات متروی تهران را برعهده دارد، گمارده شد.

درستی در ماه پایانی سال ۱۴۰۳، در حالی وارد فهرست تحریم کانادا قرار گرفت که به دنبال خروج خانواده‌اش از ایران بود و بعد از این تحریم، مشکلاتی برای این مسئله بر سر راه مسعود درستی پیش آمد.

✿ **حسین کمبی در دو مقطع پیراهن پر سیولیس را پوشید و با این تیم قهرمانی خاطره‌انگیز را هم پشت سر گذاشت که باعث محبوبیت شدید او در میان هواداران این تیم شد.**

به گزارش ورزش سه، این در حالی است که به نظر می‌رسید به خاطر همین پیشینه پرسپولیسی او راهی استقلال نشده است. کمبی در این مورد می‌گوید: اصلاً هیچ پیشنهادی به من داده نشد، اگر پیشنهادی هم می‌دادند هیچوقت قبول نمی‌کردم. او درباره عقبه پرسپولیسی خود اظهار داشت: من نه طرفدار پرسپولیس هستم و نه استقلال، اما قبول نمی‌کردم، چون کار کردن در این دو تیم خیلی سخت است.

کمبی در پاسخ به این سوال که آیا همچنان فکر می‌کند قبول پیشنهاد استقلال توسط نکونام اشتباه است؟ گفت: الان هم همین را می‌گویم. شخصیت جواد نکونام، شخصیت باشگاهی نیست، شخصیت ملی است. جواد در باشگاه می‌خواهد همه چیز به زور باشد. او رفیقم است و شاید از دستم ناراحت شود، اما برایم مهم نیست. وی افزود: در باشگاهی مثل سپاهان و فولاد می‌توانی از بازیکن کار بکشی، اما در پرسپولیس و استقلال خیلی سخت است. من قبل‌ماصاحبه کردم و الان هم می‌گویم، در آن سالی که مشکل پیدا کرد و گفتند مجوزش امضا نمی‌شود و ممنوع‌الکار است، تنها کسی که با او در تماس بود، من بودم. خودش می‌تواند شهادت بدهد که مدام به او روحیه می‌دادم و می‌گفتم درست می‌شود و نگران نباشد. خدا را شکر کارش درست شد و به استقلال رفت.

✿ **به گزارش ورزش سه، علیرضا حیدری که برنده مدال برنز المپیک ۲۰۰۴ آتن بوده و همچنین پنج مدال رنگارنگ جهانی دارد، از روزهای ترسناک و عجیب و غریبی می‌گوید که دلش نمی‌خواست به زندگی خود ادامه بدهد. او در مصاحبه جدید خود با علی ضیا به‌طور شفاف در این خصوص صحبت کرده است.**

صحبت‌های علیرضا حیدری در مورد تصمیمش به پایان دادن به زندگی در مقطعی از دوران جوانی از ذکر خاطرات او به مبارزات احتمالی با عباس جدیدی برمی‌گردد. خاطره‌ای که به اولین قهرمانی او در مسابقات جهانی کشتنی در وزن ۸۵ کیلو در رقابت‌های قهرمانی جهان تهران برمی‌گردد؛ زمانی که او، عباس جدیدی و رسول خادم سه ستاره کشتی ایران در اوزان بالاتر بودند.

پس از مسابقات حیدری به مراسمی دعوت می‌شود که سایر اعضای تیم ملی نیز در آن حضور داشته بودند. مراسمی در هتل آزادی که حیدری می‌گوید در آن روز خاطره‌ای که به اولین قهرمانی او در مسابقات جهانی کشتنی در وزن ۸۵ کیلو در رقابت‌های قهرمانی جهان تهران برمی‌گردد؛ زمانی که او، عباس جدیدی و رسول خادم سه ستاره کشتی ایران در اوزان بالاتر و در وزن ۹۰ با جدیدی امتحان کند. اتفاقی که البته با صعود جدیدی به وزن ۱۳۰ کیلو هرگز رخ نداد.

حیدری سپس به این روحیه عجیبش اشاره می‌کند. اینکه او نمی‌تواند آرام و قرار خاصی داشته باشد. او می‌گوید اگر در وزن ۸۵ کیلو می‌ماندم احتمالاً مدال‌های بیشتری می‌گرفتم اما من خوشحالم که شجاعت‌م را زندگی کردم. به هر صورت من نمی‌توانم در نقطه امن زندگی کنم و عادت دارم که این را به هم بریزم!

✿ **حمید نعمت‌الله کارگردان سینما در گفت‌گو با ماهنامه تجربه گفته: ه‌ربا که فیلم قاتل و وحشی را به دفتر جنشواره دادم باز مسئولان مربوطه انواع چاخان را سر هم کردند تا خلاصه محترمانه از نمایش فیلم خودداری کنند و نگذارند فیلم دیده شود؛ یا به تعبیری فیلم را خفه کنند.**

– مجوز نمایش در خارج از کشور را دادند اما هنوز از مجوز نمایش در داخل خبری نیست. از این که فیلم را برای اظهارناظر و استفا به مرجع بدینی داده باشند یا نه خبر ندارم اما در تماسی که با آقای سهرابی داشتم گفتند این استفا و پاسخ مثبت از مرجع تقلید درباره همان اجازه نمایش در خارج از کشور است و ربطی به نمایش

واکو به‌های انتظار

مراوصال نباید

همان امید خوش‌است...

سنایی غزنوی

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۵:۰۸ | طلوع خورشید ۶:۲۶ | اذان ظهر ۱۲:۰۵ | غروب خورشید ۱۹:۳۴ | اذان مغرب ۱۹:۵۲

نشانی: تهران، خیابان سپهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه‌شاهزاد، پلاک ۳ کد پستی ۰۶۵۳۲۱-۱۵۶۶۷
تلفن و نمابر: ۰۸۴۶۰۳۵۴۵ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۰۸۴۶۱۹۸۸-۰۲۱ | توزیع: دنیای اقتصاد تابان | اجاب: پیام‌همشهری-جام‌چم
اشتراک اینترنتی: www.jaamar.com

خاطرات ملوک ضرابی، خواننده‌های رپ، دفاعیات اشکان، درآمد ایران خودرو

داخل ندارد.

– در واقع گویا برای این منظور اکران عمومی در داخل ایران به استفتای دیگری نیاز است. من این موارد را به فال نیک می‌گیرم و امیدوارم آن چه درباره یوپایی فقه شیعه گفته شده به کار گره‌گشایی بسیاری از مشکلات جامعه‌باید و چاره‌ای هم پیش پای این فیلم گذاشته شود.

✿ **اشکان آرمندهی مدیرعامل دیوار در رویداد انجمن تجارت الکترونیک گفت: زمانی که برای یکی از پرونده‌های دیوار به دادگاه رفتم، نامه‌ای از مرکز ملی فضای مجازی داشتم که در آن به قاضی توضیح داده بود مسئولیت‌های حقوقی پلتفرم به چه شکل است. بعد از دفاعیه‌نامه رایبه قاضی دادم اما این مرکز را نمی‌شناخت و پرسید: مرکز ملی فضای مجازی کجاست؟**

در یکی دو سال گذشته نهادهای مختلفی ما را درگیر خود کرد. مثلاً وزارت مسکن با تصمیمات غیر کارشناسی عملاً فضای فعالیت پلتفرم‌های ثبت آگهی سخت شد. ما از کارگروه تعامل‌پذیری مصوبه گرفته بودیم تا سازمان ثبت اسناد به ما API دهد اما به جای آن وزارت مسکن سامانه‌ای طراحی کرد که پر از آگهی‌های خالی است.

✿ **«سید ابوالحسن فیروز آبادی»، دبیر سابق ششورای عالی فضای مجازی، معتقد است:**

«تا زمانی که فیلترینگ وجود داشته باشد و فضای اعتماد برای توسعه بازار تکنولوژی‌های نوین در کشور فراهم نشود، نمی‌توانیم به برندسازی، به‌ویژه در حوزه بین‌الملل، امیدوار باشیم.»

دبیر سابق شورای عالی فضای مجازی «استفاده افراطی از ابزارهای مثل فیلترینگ» را عامل واردشدن لطمه‌های جدی به برندسازی اجتماعی و اقتصادی دانست و گفت: «دولت‌ها به‌دنبال مدیریت مستقیم قدرت هستند و نمی‌توانند ساختارها و معماری‌هایی را پیاده‌سازی کنند که به‌طور غیرمستقیم این قدرت را مدیریت کند؛ لذا در قبال برندسازی‌های ملی که کاملاً اجتماعی شده، به‌دلیل ناتوانی در مدیریت این قدرت نرم، در استفاده از ابزارهایی چون فیلترینگ افراط می‌کنند و توجه ندارند که با این کار به برندسازی اجتماعی و اقتصادی لطمات جدی وارد می‌شود.»

✿ **یک تئویت بر طرفدار:** چند روزی است سامانه ثبت‌نام ایران خودرو باز شده و تا به امروز حدوداً ۳ میلیون نفر ثبت‌نام کردند، مبلغی به اندازه ۷۰۰ همت در بانک‌ها تا این لحظه بلوکه شده‌ست!

پن‌ا: این مبلغ به اندازه یک پنجم ارزش شرکت خودروسازی بنز آلمان است.

پن‌ا ۲: ثبت‌نام تا روز یکشنبه ادامه دارد.

✿ **رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش گفت:** شایعه تصحیح برگه‌های امتحانی توسط افراد غیرمعلم از جمله نیروهای بسیج محلات یک شوخی بزرگ است زیرا ابلاغ تصحیح برای معلمان باید مورد تأیید گروه‌های آموزشی قرار گیرد.

محسن زارعی درباره تصحیح برگه‌های امتحانات نهایی توسط معلمان غیرمرب‌تب یا حتی نیروهایی خارج از آموزش و پرورش اظهار کرد: ابلاغ تصحیح برای معلمان باید مورد تأیید گروه‌های آموزشی قرار گیرد. معلمان خبره در هر استان عضو گروه‌های آموزشی هستند که آنها ابلاغ تصحیح برای معلمان را تأیید است.

وی افزود: ممکن است عملی که مدرک ادبیات دارد و آن را تدریس می‌کند، در ساعات غیرموظف دروس دیگری چون دینی و عربی را هم تدریس کند که چنین فردی با تشخیص و تأیید گروه‌های آموزشی می‌تواند برگه‌های امتحان عربی و دینی را تصحیح کند.

✿ **رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و ترکیه گفت:** کشور ما پتانسیل صادرات سالانه ۱۵ میلیارد دلار کالا را به ترکیه دارد و برای تجارت دو کشور ارزش ۳۰ میلیارد دلار ترسیم شده با این حال تحقق این رقم با تجارت آزاد امکان‌پذیر است و حتی تجارت ترجیحی هم به‌یگر به کار نمی‌آید و روشی منسوخ است. این در حالی است که علاوه بر بازرگانان ایرانی بازرگانان بخش خصوصی ترکیه هم با برقراری تجارت آزاد با ایران استقلال می‌کنند.

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و ترکیه در پاسخ به اینکه تجارت ۳۰ میلیاردی دلاری با ترکیه مستلزم واردات سالانه ۱۵ میلیارد دلار کالا از این کشور به ایران است، توضیح داد: مطمئن باشید همین الان حجم واردات کالا از ترکیه به ایران بیش از ارقام و ثبت شده است و آمار واقعی به دلیل تحریم‌ها ثبت نمی‌شود اما در سیستم تجارت آزاد همه چیز شفاف است. اکنون امکان تبادلات مالی و بانکی با ترکیه از مسیرهای رسمی وجود ندارد و یکی از الزامات تجارت آزاد از بین رفتن این چالش است، البته تجارت با پول‌های ملی می‌تواند راهکاری برای تبادلات مالی بین‌المللی در شرایط تحریم باشد و بانک مرکزی ایران هم پیشنهاداتی درباره تجارت با لیر و ریال به همتای ترکیه‌ای خود داده است اما تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده.

✿ **«محمود سالاری» معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد در گفت و گو با خبرنگار گروه فرهنگ و هنر بر نا در پاسخ به این پرسش که آیا دستور مجوز برای سه خواننده «رپ» حقیقت دارد یا نه؟ گفت:** خبر، این مسئله صحت ندارد. قاعدتاً هنوز مجوزی برای موسیقی رپ صادر نشده است. مجوزی برای اثری صادر شده است که پاپ بوده است و آن خواننده‌ای که مشهور به پ‌پخوانی است در آن اثر پ‌پ خواننده و زانرش پاپ است. در حقیقت ما به موسیقی پاپ او مجوز دادیم. دو اسم دیگری هم که مطرح شده بود را بررسی کردم، آن دو خواننده هم قرار بر این بود که اگر در گونه پاپ بخوانند مجوز بگیرند. سالاری درباره کار گروهی که در وزارت ارشاد برای بررسی صدور مجوز برای رپ تشکیل شده بود، گفت: ما کار گروهی را در خصوص بررسی ژانر موسیقی رپ داریم اما این بین اختلاف‌نظر بسیار زیاد است. رپ یک سبک زندگی است که با خودش چیزهای زیادی به همراه دارد بنابراین فقط نباید واژه‌ها و نت‌ها را کنار هم دید. به همین دلیل هنوز به جمع‌بندی قطعی در این خصوص نرسیده‌ایم.

✿ **منصور پوریان، رئیس ششورای تأمین دام کشور در گفت‌وگو با ایلنا درباره آخرین وضعیت عرضه گوشت قرمز در کشور گفته است:** در حال حاضر انواع گوشت قرمز گوسفند و گوساله گرم و منجمد وارداتی و تولید داخل در بازار متناسب با تقاضای مردم عرضه می‌شود و بیشترین تقاضا برای گوشت‌های وارداتی وجود دارد زیرا گوشت تولید داخل همچنان با فاصله زیادی گران‌تر از گوشت وارداتی است... گوشت تولید داخل امروز به عنوان گوشت گران در بازار عرضه می‌شود و تنها سه دهک اول جامعه می‌توانند این گوشت را تهیه کنند.

او همچنین با اشاره به هزینه‌های بالای تولید برای دامداران تصریح می‌کند: چون تقاضا برای گوشت تولید داخل کاهش یافته و مردم به دلیل قیمت مناسب گوشت‌های وارداتی به این گوشت روی آورده‌اند تولیدکننده‌ای که گوشت را نسبت به گوشت وارداتی گران تولید می‌کند مجبور است آن را رازران بفروشد و متضرر شود در پی این ضرردهی دامداران از بیشتر استان‌ها به وزارت‌خانه نامه زده‌اند که با مازاد دام سنگین روبه‌رو هستند و باید راهکاری برای آن اندیشیده شود.



پنجشنبه | ۲۵ مرداد ۱۴۰۳ | شماره ۳۸۴۳

منتخب

راه‌نمای یادگار

- خودرو
- موبایل
- استارت‌آپ‌ها
- بانک، بیمه
- طلا، دلار
- بورس
- صنایع غذایی
- مسکن
- گردشگری

صفحات ۵ تا ۸۰

بازار داغ اسکوترهای زیر ۲۰۰ میلیون تومان

شش موتوروی که به درد خیابان‌های پر ترافیک این شهر شلوغ می‌خورد

گروه خودرو | ترافیک چنان گر بیانگیر پایتخت‌نشینان شده است که تقریباً از هر صنفی سوال می‌پرسید، برای تردد، موتور انتخاب اول‌شان است. موتورهایی با جثه کوچک‌تر که میان ماشین‌ها لایب کشیده و با هر سختی‌ای است، خودشان را از ترافیک و گرما نجات داده و به مقصد می‌رسانند. بازار اسکوترها این روزها داغ است و حتی با اینکه به خانم‌ها مجوز تردد با موتورسیکلت داده نمی‌شود؛ گاهی در سطح شهر، زنان را به عنوان راکب این اسکوترها می‌بینیم. در این گزارش پرونده‌ای برای اسکوترهای موجود در بازار رفته‌ایم که ظاهر لاکچری دارند و شاید قدرت عجیبی نداشته باشند اما برای تردد در سطح شهر برای فصل بهار و تابستان مناسبند. میانگین قیمتی این موتورها حدود ۲۰۰ میلیون تومان است. در واقع موتورسیکلت‌های اسکوتری سبک خاصی از موتورها هستند که در سال‌های اخیر مورد توجه و استقبال بسیار زیادی قرار گرفته‌اند. شاید اولین تصویری که از سبک اسکوتر در ذهن ما شکل گرفته، مربوط به موتورهای وسپا باشد ولی امروز اگر به کوچه و خیابان‌های شهر توجه کنیم، شاهد حضور و رفت آمد روزافزون اسکوترها هستیم. اسکوترها دارای حجم سبیلندر عموماً کمی هستند، معمولاً ۵۰ الی ۱۵۰ سی‌سی اما حجم‌های بالاتر هم در این سبک دیده می‌شود. راندن اسکوترها راحت‌تر است. اشاره شد که اسکوترها عموماً اتومات هستند و نیازی به تعویض دنده با پا ندارند و همچنین ترمزهای جلو و عقب با دست گرفته می‌شود بنابراین تمرکز راننده بهتر است؛ چرا که تمام کنترل وسیله نقلیه با دست انجام می‌شود و بحث هماهنگی مورد نیاز بین دست و پا که در سایر سبک‌های موتورسیکلت مورد نیاز است، منتفی می‌شود.

قیمت ۱۲۰ میلیون تومان

موتورسیکلت کبیر /مدل آیروکس NVX۱۷۰



موتورسیکلت طرح آیروکس NVX۱۷۰، یکی از موتورهای مناسب برای استفاده روزمره به شمار می‌رود. این موتورسیکلت به گونه‌ای طراحی شده که می‌توان مسافت طولانی را حتی در جاده و مسیرهای برون شهری، با آن پیمود. طرح آیروکس با انجین ۱۷۰ سی‌سی و چهار سوپاپ، می‌تواند ۸/۵ اسب بخار یا گشتاور ۸/۵ نیوتن متر را تولید کند. موتورسیکلت ان‌وی‌ایکس ۱۷۰ سی‌سی، یکی از موتورهای مناسب برای استفاده روزمره به شمار می‌رود. این موتورسیکلت به گونه‌ای طراحی شده که می‌توان مسافت طولانی را حتی در جاده و مسیرهای برون شهری، با آن پیمود. در موتور طرح آیروکس محل قرارگیری جنس آلومینیوم و اسپرت دارد که ظاهر زیبایی به این موتورسیکلت نیست و فضای جداگانه‌ای برای

آن طراحی شده است. زین این موتور شبیه موتورهای استریت است. ظرفیت مخزن سوخت این موتور ۵/۵ لیتر با مصرف تقریبی ۲/۵ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر محاسبه شده است. این موتور دارای یک درگاه شارژ USB برای تلفن همراه است. ترمزهای این موتور در دو محور آن از نوع دیسکی و در محور جلو از سیستم ABS استفاده شده است. سیستم تعلیق این موتور در جلو هیدرولیکی و در قسمت عقب کمک هیدرولیکی دوپل است. ناگفته نماند که این موتور از آلاندگی زیست محیطی استاندارد یورو ۴ پشتیبانی می‌کند.

در دو محور آن از نوع دیسکی و در محور جلو از سیستم ABS استفاده شده است. سیستم تعلیق این موتور در جلو هیدرولیکی و در قسمت عقب کمک هیدرولیکی دوپل است. ناگفته نماند که این موتور از آلاندگی زیست محیطی استاندارد یورو ۴ پشتیبانی می‌کند.

۱۰۲ میلیون تومان

موتورسیکلت پیشرو پیام / طرح ویو مدل ۱۵۰ سی‌سی



دو محور ۱۳۰ سانتی‌متر است. وزن این موتورسیکلت برابر با ۷۸ کیلوگرم است. سایز چرخ‌های جلو و عقب ۱۷ اینچ و لاستیک‌ها از نوع بدون تیوپ هستند. چراغ‌ها از نوع لامپ رشته‌ای بوده و چراغ راهنما روی آینه و چراغ روز ندارد. آمپر‌ها به صورت آنالوگ یا عقربه‌ای هستند.

دو محور ۱۳۰ سانتی‌متر است. وزن این موتورسیکلت برابر با ۷۸ کیلوگرم است. سایز چرخ‌های جلو و عقب ۱۷ اینچ و لاستیک‌ها از نوع بدون تیوپ هستند. چراغ‌ها از نوع لامپ رشته‌ای بوده و چراغ راهنما روی آینه و چراغ روز ندارد. آمپر‌ها به صورت آنالوگ یا عقربه‌ای هستند.

قدمت این موتورسیکلت در بازار ایران فراتر از اسکوترهایی است که امروزه در خیابان‌های می‌بینیم. تا پیش از ورود اسکوترهای اتوماتیک به بازار، هوندا ویو و موتورسیکلت‌های طرح آن به لطف نداشتن کلاچ از محبوبیت بالاتری نسبت به موتورسیکلت‌های دارای کلاچ برخوردار بودند. اگرچه طرح ویو ۱۵۰ سی‌سی در کلاس موتورسیکلت‌های کاب قرار می‌گیرد اما با توجه به قیمت بسیار نزدیکش به ارزان‌ترین اسکوتر موجود در این گزارش، آن را هم گردآوریم. طرح ویو ۱۵۰ از یک موتور تک‌سیلندر چهار زمانه هوا خنک بهره می‌برد که حداکثر ۱۳ اسب بخار قدرت تولید می‌کند. ابعاد موتورسیکلت پرواز طرح ویو (طول/عرض/ارتفاع) ۱۸۹، ۷۸، ۱۰۵ سانتی‌متر و فاصله بین

۲۱۵ میلیون تومان

وسپا وی‌ایکس‌ال ۱۵۰/مدل ۱۴۰۲



موتورسیکلت‌های وسپا VXL مجهز به سیستم سوخت‌رسانی از نوع انژکتور است. سیستم انژکتور به کار رفته در موتورسیکلت‌های وسپا باعث کاهش مصرف سوخت می‌شوند و از خصوصیات خوب این موتور میزان آلایندگی بسیار پایین آن است.

ظاهری محصولات‌شان دست نمی‌کشند. از ویژگی‌ها یا مشخصات این نوع موتورسیکلت می‌توان به شکل ظاهری ظریف و زیبا، سیستم استارت راحت نرم، سیستم سوخت‌رسانی راحت، سوخت مصرفی به‌صرفه، نوع ترمز و ... اشاره کرد.

وسپا VXL ۱۵۰ cc یک موتورسیکلت درون شهری است که با ظاهر جذاب و متفاوت خود، یکی از بهترین انتخاب‌ها برای علاقه‌مندان به موتورسیکلت است. این موتورسیکلت با برخورداری از یک موتور قدرتمند و امکانات فنی بالا تمام انتظارات شما را از یک موتور شهری برآورده می‌کند. جالب است بدانید موتورسیکلت‌های وسپا مدل VXL برای بانوان و آقایان طراحی شده است. به عبارت دیگر همه افراد می‌توانند با این موتور زیبا، رانندگی کنند. اگر برای وسپا بخواهیم معادل‌سازی کنیم، دقیقاً باید به شرکت‌های خودروسازی ایتالیا همچون آلفارومئو و فراری اشاره داشته باشیم که هرگز از سنت‌های دیرینه و ناب خود در طراحی

قیمت ۲۲۵ میلیون تومان

هوندا کلیک ۱۶۰



هوندا کلیک اورپیو ۱۶۰ مجهز به امکانات ایمنی و امنیتی پیشرفته شامل کلید هوشمند (Smart Key)، سیستم هشدار (الارم) و پیدا کردن در بین انبوه اسکوترهای مشابه (Answer back) است.

هوندا کلیک ۱۶۰ نیوتن متر در ۷۰۰۰ دور در دقیقه تولید می‌کند. طراحی این موتورسیکلت به گونه‌ای است که در ترکیب با اندازه بزرگ بدنه و شخصیت اسپرتی اسکوتر اعتماد به نفس بیشتری به موتورسوار می‌دهد.

موتورسیکلت هوندا مدل کلیک ۱۶۰، نسخه جدید کلیک ۱۵۰ سی‌سی است که در دو مدل ABS و CBS توسط شرکت هوندا در رقابت با یاماها، هر ساله یک موتورسیکلت جدید یا نسخه جدیدی از مدل‌های قبل خود را روانه بازار جهانی می‌کند. این موتورسیکلت به واسطه نداشتن تفاوت محسوسی با واریو ندارد و از همان انجین بهره می‌برد و مانند گذشته طراحی ظاهری آن متفاوت است. موتورسیکلت هوندا مدل کلیک ۱۶۰، دارای انجین ۱۵۷ سی‌سی، چهار زمانه، تک‌سیلندر، چهار سوپاپ و آب خنک است. کلیک ۱۶۰ سی‌سی، با دارا بودن این انجین، می‌تواند تا حداکثر قدرت حدودی ۱۵/۱ اسب بخار در ۸۵۰۰ دور در دقیقه

دایچی JP۱۵۰

قیمت ۱۱۶ میلیون تومان



اسکوترهای وسپا دارد، دایچی مدل JP۱۵۰ است. این اسکوتر دایچی از یک موتور تک‌سیلندر ۱۵۰ سی‌سی بهره می‌برد. حجم باک آن تنها ۵ لیتر و مصرف سوخت آن به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر پیمایش تنها ۲ لیتر اعلام شده است.

دایچی JP۱۵۰ طراحی جذابی دارد که به آسانی توجه را به خود جلب می‌کند. بدنه بادوام آن، در رنگ‌های جذاب متنوعی ارائه می‌شود و حس زیبایی مدرنی را به شما القا می‌کند. با قابلیت‌های فریم کوچک و صندلی‌های ارگونومیک، این اسکوتر سفری راحت و لذت‌بخش را برای رانندگان با اندازه قد مختلف فراهم می‌کند. با موتور ۱۵۰ سی‌سی قدرتمند تجهیز شده، دایچی JP۱۵۰ سفری هیجان‌انگیز را با حفظ کارایی سوخت بی‌نظیر ارائه می‌دهد. سیستم تعلیق جلو هیدرولیک و ترمزهای دیسکی، حتی در مسیرهای ناهموار، سفری صاف و ایمن را تضمین می‌کند. صفحه کنترل کاربر پسند این اسکوتر دارای نمایشگر دیجیتال است که به شما امکان مانیتور کردن سرعت، مسافت

طی شده و سطوح سوخت را به طور آسان می‌دهد. با راه‌اندازی الکتریکی قابل اعتماد و گیربکس خودکار، دایچی JP۱۵۰ تجربه‌ای بی‌درسر را در سفرهای شما فراهم می‌کند. ارزان‌ترین اسکوتر صفر کیلومتر موجود در بازار که شباهت بسیاری با

هوندا SV با یک موتور برقی معرفی شد

کناری فرم ستون C خودرو حالتی بسیار جذاب، متفاوت و گیرا دارد و دستگیره‌ها نیز به صورت مخفی شونده طراحی شده‌اند. در بخش عقب نیز چراغ‌های به هم پیوسته همان طرح H را تداعی می‌کنند و با نمای جلو هماهنگی کاملی دارند. بخش عقب خودرو کوتاه و کوپه‌ای طراحی شده است و سقف و ستون‌ها نیز مشکی هستند. هوندا SV Ye دارای طول، عرض و ارتفاعی به ترتیب برابر با ۴۷۵۰، ۱۹۳۰ و ۱۶۲۵ میلی‌متر است و فاصله محوری آن ۲۹۳۰ میلی‌متر اعلام شده است. تایرهای ۲۱ اینچی از دیگر مشخصات هوندا SV به شمار می‌آیند.

اسب بخار نوشت: هوندا به تازگی ویژه بازار چین یک لاین خاص از خودروهای برقی را تدارک دیده و اولین نمایش عمومی آن را نیز در نمایشگاه پکن ۲۰۲۴ به انجام رسانیده است. در همین راستا رفته‌رفته به عرضه اولین محصول این لاین به بازار چین نزدیک می‌شویم و هوندا پس از معرفی نسخه دو موتور هوندا SV، اکنون نسخه تک موتور با ۲۶۸ اسب را نیز معرفی کرده است. هوندا Ye SV بر مبنای پلتفرم جدید هوندا ویژه بازار چین طراحی و ساخته شده است. برای هوندا SV در نسخه محور عقب یک موتور برقی ۲۰۰ کیلوواتی به کار رفته



وب گردی

نمایشگاه شارژ

وضعیت نصب ایستگاه شارژ

خودروهای برقی در تهران مشخص شد



مدیر طرح خودروهای برقی وزارت صنعت، معدن و تجارت از تعداد ۳۷ ایستگاه شارژ خودرو برقی در سراسر کشور ۱۶ ایستگاه فعال و بقیه در حال تجهیز و تکمیل خبر داد. حسن کریمی‌سنجری درباره آخرین وضعیت نصب ایستگاه‌های شارژ خودروهای برقی و تعداد آنها در کشور گفت: تاکنون حدود ۳۷ دستگاه ایستگاه شارژ خودرو برقی در سراسر کشور نصب است که از این تعداد ۲۴ ایستگاه در تهران نصب شده. از ۲۴ ایستگاه شارژ خودرو برقی نصب شده در تهران پنج ایستگاه فعال است و به دارندگان خودروهای برقی در تهران سرویس می‌دهد و ۱۷ ایستگاه دیگر هم در حال تجهیز است. مدیر طرح خودروهای برقی وزارت صمت گفت: هفت ایستگاه شارژ خودرو برقی نیز در مراکز خصوصی از جمله کرمان موتور، ایران خودرو، چکتو و مراکز متعلق به شهرداری نصب شده که هنوز فعال نیست. وی اضافه کرد: ۱۳ ایستگاه شارژ خودرو برقی نیز به‌جز تهران در کل کشور نصب شده که از این تعداد فقط ۱۱ ایستگاه فعال است؛ این ایستگاه‌ها در بزم کرمان، بابل، بابلسر، چالوس، مشهد، اراک، قم، کرج و هشتگرد واقع شده است. کریمی‌سنجری پاسخ به این پرسش که آیا دارندگان خودروهای برقی مسیری نظیر تهران تا بابلسر را می‌توانند با یک بار شارژ در مبدأ طی کنند، تاکید کرد: این مسئله بستگی به مسیر دارد، خودروهای برقی موجود در کشور می‌توانند ۳۰۰ تا ۳۵۰ کیلومتر را در شرایط معمول با یک بار شارژ کامل طی کنند، اما مسیری مانند تهران تا بابلسر دارای سربالایی است و بر این اساس مصرف انرژی در این مسیر افزایش می‌یابد. وی افزود: البته برخی خودروهای برقی ترمزهای بازگردانده انرژی دارند؛ یعنی وقتی در سرازیری حرکت می‌کنند باتری آنها مجدداً محدودی شارژ می‌شود، اما به‌رحال برای اطمینان خاطر مصرف‌کننده بر اساس استاندارد در مسیرهای جاده‌ای در هر ۱۰۰ کیلومتر باید در دو طرف جاده ایستگاه شارژ خودرو برقی وجود داشته باشد. مدیر طرح خودروهای برقی وزارت صمت در ادامه یادآور شد: برای پیمایش مسیر تهران تا بابلسر با توجه به ترافیک موجود و مسیری که معمولاً به صورت سربالایی است، لازم است ایستگاه‌های شارژ در طول مسیر موجود باشد تا دارنده خودرو در این مسیر بتواند بعد از شارژ از مبدأ، خودروی خود را در مسیر مجدد شارژ کند. وی با بیان اینکه اقداماتی برای نصب ایستگاه‌های شارژ در جاده‌ها انجام شده است، تصریح کرد: به‌طور مثال پیش‌بینی شده است در آزادراه تهران- پردیس چهار ایستگاه شارژ خودرو برقی نصب شود و مدیریت این آزادراه مسئولیت نصب این ایستگاه‌ها بر عهده گرفته است. کریمی‌سنجری همچنین گفت: در مسیرهای تهران- رشت، تهران- چالوس و محورهای هراز و فیروزکوه متولی ایجاد ایستگاه شارژ خودروهای برقی را تعیین کرده‌ایم. ایستگاه شارژ هشتگرد در محل خودروسازی ماموت نیز یکی از ایستگاه‌هایی است که محور تهران- تبریز و تهران- رشت را تجهیز می‌کند و باید نصب این ایستگاه‌ها ادامه یابد که از یک طرف به رشت و از طرف دیگر به تبریز برسد.



پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۳ | شماره ۳۸۴۳

روایت تنهایی و عشق در دوران مدرن

افزایش نگرانی‌ها در باره وابستگی عاطفی کاربران به «چت جی بی تی»



شرکت «وپن‌ای‌آی» که توسعه‌دهنده مدل «چت جی‌بی‌تی» است، نگرانی خود را از احتمال ایجاد وابستگی کاربران به تعاملات با هوش مصنوعی به جای روابط انسانی ابراز کرده است. این شرکت که دفتر مرکزی آن در سانفرانسیسکو قرار دارد، در گزارشی اشاره کرده است که گفتگو با هوش مصنوعی به گونه‌ای که فرد با شخص دیگری صحبت می‌کند، ممکن است کاربران را به اعتماد نادرست به برنامه‌های هوش مصنوعی سوق دهد. همچنین، کیفیت بالای صدای ادغام‌شده در نسخه «GPT-4o» از «چت جی‌بی‌تی» ممکن است این تأثیر را تشدید کند.
وپن‌ای‌آی در این گزارش دربارۀ اقدامات امنیتی که روی نسخه ChatGPT-4o از برنامه هوش مصنوعی خود انجام می‌دهد، اعلام کرده است که تکنیک‌های تشبیه انسان که شامل اختصاص رفتارها و ویژگی‌های انسانی به موجودات غیرانسانی مانند مدل‌های هوش مصنوعی است، ممکن است باعث افزایش این خطر شود. این شرکت هشدار داده است که «این خطر ممکن است به دلیل قابلیت‌های صوتی GPT-4o افزایش یابد که تعاملات شبیه انسان با برنامه را تسهیل می‌کند.»
وپن‌ای‌آی همچنین مشاهده کرده است که کاربران به گونه‌ای با هوش مصنوعی صحبت

می‌کنند که به روابط مشترک اشاره دارد، مانند ابراز ناراضی‌تی با صدای بلند در مقابل برنامه هوش مصنوعی. برخی گزارش‌ها هم از درد دل‌های طولانی با این هوش مصنوعی حکایت دارد. این شرکت تأکید کرده است که این موارد در نگاه اول ممکن است بی‌خطر به نظر برسند اما نیاز به بررسی دقیق‌تر دارند تا تأثیر بلندمدت اینگونه تعاملات معلوم شود.
اوپن‌ای‌آی پیش‌بینی کرده است که تعامل اجتماعی با هوش مصنوعی ممکن است کاربران را از مهارت‌ها یا تمایل به ارتباط با انسان‌ها بازدارد. در گزارش این شرکت همچنین آمده است: «تعامل‌گسترده با برنامه ممکن است بر استانداردهای اجتماعی تأثیر بگذارد؛ به عنوان مثال، مدل‌های ما با کاربران با تواضع رفتار می‌کنند که به آنها اجازه می‌دهد در هر زمانی مکالمه را قطع کنند و نقش خود را در صحبت کردن بگیرند، این در حالی است که این نوع رفتار در تعاملات انسانی خلاف ادب است اما در تعامل با هوش مصنوعی مورد انتظار است.» به گفته «وپن‌ای‌آی»، توانایی هوش مصنوعی در به‌خطر سپردن جزئیات در طول مکالمه و انجام وظایف ممکن است باعث شود که مردم بیش از حد به این فناوری متکی شوند. این شرایط سبب شده که خوانندگان به یاد فیلم سینمایی «او» بیفتند. اسپایک جونز علاوه بر

و گیم‌فا)

ینگه دنیا

آفتاب پرست بودن یا نبودن؛ مسئله این است

حمله جی‌دی‌ونس به کامالا هریس و افشاگری علیه معاون جنجالی ترامپ



حمایت‌های جانانه‌ای از او کرد، به امید آنکه ونس از اوهایو روانه سنا شود و در ایام انتخابات ۲۰۲۴ تلاش کند تا

برای جبران محبت‌ها و حمایت‌های ترامپ، مردم این ایالت را در حمایت از او متحد کند. برخی از منتقدان ونس در آن دوران، او را آفتاب‌پرستی‌بزدل خواندند که برای موفقیت، رنگ خود را عوض کرد.

حالا همین ونس با شرکت در یک مسابقه تلویزیونی، به کامالا هریس تاخت و زندگی او را دارای نقایط دانست که می‌توان دست روی آن گذاشت و به واسطه این نقاط، هریس را آفتاب‌پرست خواند. البته مجری برنامه با اشاره به نظریات ونس درباره ترامپ،

که با تاکر کارلسون، مجری جنجالی سابق شبکه فاکس نیوز صورت گرفت، درباره حضور فعال زنان در اجتماع با زبان انتقاد سخن گفت : «یک مشت زن بدون بچه که گربه نگه می‌دارند و از زندگی مشقت‌بار خود و تصمیماتی که گرفته‌اند راضی نیستند بنا دارند زندگی بقیه مردم مملکت را هم تیره و تار کنند». او نسبت به افزایش فضای مجازی متششر شده است که نشان می‌دهد او در دوران تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه اوهایو و دوران سکونت در خوابگاه دانشجویی با کالاه گیس بلوند و لباس و آرایش زنان در اتاق خود زندگی می‌کرد و با همین شمایل در شبکه‌های اجتماعی ظاهر می‌شده است. این اتفاق برای کمپین انتخاباتی ترامپ همچون تیری زهرآگین است که به قلب پایگاه رای آن‌ها اصابت کرده. حالا لقب آفتاب‌پرست، عنوانی است که کاربران شبکه‌های اجتماعی آن را برانده‌ونس می‌دانند و او را فردی ریاکار و متقلب می‌خوانند. باید دید با این وضعیت، ادامه کار برای ونس و ترامپ چگونه رقم خواهد خورد. تا همین جای کار، ترامپ در ایالت‌های کلیدی از هریس عقب افتاده و با این شرایط، وضعیت از این هم خراب‌تر خواهد شد.

چهارگوشه در دنیا

منتخب

تپش



اخبار بد و تلخ و جانشوز آنچنان ساکنان زمین را احاطه کرده است که هر آدمی با خود می‌گوید دیگر خبری تلخ‌تر نخواهد آمد. اما حقیقت این است که تلخی حد و حصر ندارد. دو روز پیش، پدری از ساکنان غزه که برای دریافت شناسنامه نوزادان خود از پناهگاه خارج شده بود، در مسیر بازگشت با جنازه آن‌ها در اثر بمباران ارتش خونخوار اسرائیل مواجه شد. کارتونی از موومنت

سایت‌نگار

پژوهش ناسا: به احتمال فراوان

زیر سطح مریخ، اقیانوسی باستانی وجود دارد

خوناش‌های لرزه‌ای کاوشگر ناسا از مریخ نشان می‌دهد که احتمالاً حجم عظیمی از آب در ابعاد یک اقیانوس زیر سطح این سیاره وجود دارد که متعلق به میلیاردها سال پیش است و می‌تواند به معنای وجود حیات میکروبی در عمق آن باشد.
نتیجه مطالعه‌ای که روز دوشنبه ۲۳ مرداد (۱۳ اوت) با استفاده از داده‌های کاوشگر «این‌سایت» (Insight) ناسا در مجموعه مقالات آکادمی ملی علوم آمریکا منتشر شد، شواهدی از وجود آب مایع را در زیر سطح سیاره چهارم منظومه شمسی نشان می‌دهد. این نتایج راه را برای جستجوی حیات و مسیر یافتن پاسخی به این پرسش را باز می‌کند که چه اتفاقی ممکن است برای اقیانوس‌های باستانی مریخ افتاده باشد.

وجود حیات در اعماق آب‌های مریخ

مطالعات زمین‌شناسی نشان می‌دهد که سطح مریخ بیش از سه میلیارد سال پیش دارای دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و اقیانوس‌ها بوده است. کاوشگر ناسا از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ روی مریخ بوده است. پژوهشگران داده‌های لرزه‌ای آن از مریخ را در چهار سال اندازه‌گیری و بررسی کرده‌اند تا دریابند که چه مواد یا موادی در زیر سطح آن وجود دارد. واشان رایت، یکی از محققان این پروژه از موسسه اقیانوس‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا می‌گوید: «آنچه از کره زمین می‌دانیم این است که وقتی به اندازه کافی رطوب و منابع انرژی کافی وجود داشته باشد، در اعماق بسیار زیاد حیات میکروبی وجود دارد.» او می‌افزاید: «اگر این تفسیر درست باشد، مواد تشکیل دهنده حیات آنگونه که ما می‌شناسیم در زیر سطح مریخ نیز وجود دارد.» (دویچه وله)

میزان ابتلای مردان به سرطان

در سه دهه آینده ۸۴ درصد افزایش

پیدا می‌کند

پژوهشی جدید نشان می‌دهد که احتمال می‌رود میزان ابتلا به سرطان در مردان در چند دهه آینده به‌شدت افزایش پیدا کند. بر اساس این پژوهش که داوری علمی شده است، پیش‌بینی می‌شود از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۵۰، میزان ابتلای مردان به سرطان ۸۴ درصد افزایش یابد، در همین حال احتمال می‌رود مرگ‌ومیر ناشی از سرطان در همین بازه زمانی ۹۲٫۲ درصدافزایش پیدا کند. این یافته‌ها روز دوشنبه در نشریه پژوهشی انجمن سرطان آمریکا، کنسر منتشر شد. بر اساس این پژوهش، این اختلاف جنسیتی تا حدی به این دلیل است که مردان بیشتر در معرض عوامل خطرزا مانند کشیدن سیگار و نوشیدن الکل قرار می‌گیرند. طبق این تحقیق، مردان همچنین بیش از زنان در معرض خطرات سرطان‌زای محیط کار مانند مواد شیمیایی مضر، تشعشع و آ‌زیست قرار دارند. در این پژوهش

در هند، یکی از چهره‌های شناخته‌شده شبکه‌های



دستگیری آشپز خورش طاووس در هند

اجتماعی بعد از انتشار ویدئویی که روش پخت خورش طاووس و سپس خوردن آن را نشان می‌داد، بازداشت شد. طاووس در هند یکی از حیوانات حفاظت‌شده به شمار می‌آید. روز دوشنبه پلیس هند اعلام کرد کودام پرانای کمار بعد از بازداشت به زندان منتقل شده است. بعد از پخش ویدئوی دستور تهیه «کاری (خورش) طاووس» در کانال یوتیوب این فرد، پلیس با جستجو در گوشی موبایل او تصاویر دیگری را پیدا کرد که ثابت می‌کرد «پرنده پخته‌شده به طور قطع طاووس بوده است.» ویدئوی یادشده از کانال حذف شده است. بر اساس قوانین هند پرنده‌هایی که دارای پرهای رنگارنگ هستند حفاظت‌شده‌اند. به گفته بازپرس پلیس ایالت «تلانگانا»، متهم ۱۴ روز در بازداشت موقت خواهد بود و پس از آن دادگاه در مورد حکم او با احیاناً آزادی به قید وثیقه تصمیم خواهد گرفت. در حال حاضر مأموران پلیس مشغول تحقیق‌اند تا بفهمند پرانای کمار طاووس طبخ‌شده را چگونه و از کجا به‌دست آورده است. به نوشته نشریات محلی، هدف پرانای کمار از تهی ویدئو جلب بیننده بیشتر بوده، اما واکنش‌های کاربران آن چیزی نبوده که آشپز انتظار داشته است. اکثر بینندگان با انتقاد از پرانای کمار او را به «تشویق مصرف غیرقانونی حیوانات وحشی و بی‌احترامی به یک نماد ملی» متهم کرده‌اند. (راديو فرانسه)

آمده است مردان ۶۵ساله که به نوع نادری از سرطان مبتلا شده‌اند، یا در کشوری با «شاخص توسعه انسانی پایین» زندگی می‌کنند نیز بیشتر احتمال دارد جانشان را از دست بدهند. پژوهشگران همچنین متذکر شدند که گزینه‌های بیشتری برای تشخیص زودهنگام سرطان‌های اثر گذار بر زنان مانند سرطان دهانه رحم وجود دارد. در این پژوهش آمده است: «برنامه‌های مشابهی برای سرطان‌های خاص مردان، مانند سرطان پروستات یا بیضه، وجود ندارد.» نویسندگان پژوهش توصیه‌هایی نیز ارائه کردند تا اطمینان حاصل شود در آینده میزان مرگ‌ومیر ناشی از سرطان میان مردان کاهش پیدا می‌کند. توصیه‌های آن‌ها ترویج برنامه‌های تشخیص زودهنگام سرطان‌های بیضه و پروستات، اجرای خدمات درمانی همگانی و تصویب مقررات قوی‌تر برای حفاظت از کارکنان مقابل خطرات محیط کار را شامل می‌شود. در این پژوهش آمده است این اقدام‌ها «برای کاهش نابرابری در ابتلا به سرطان و اطمینان از برابری در مان سرطان میان مردان در سراسر جهان حیاتی است.» پژوهشگران نوشتند: «این تلاش‌ها در نهایت نابرابری در تحمل بار سرطان را کاهش خواهد داد و از برابری در پیشگیری و مراقبت‌های درمانی سرطان برای مردان در سراسر جهان اطمینان حاصل خواهد کرد.» (الیندپبندت)

ایالات متحده با فروش ۲۰ میلیارد دلار

تسلیمات به اسرائیل موافقت کرد

در بحبوحه گرانی‌ها از احتمال درگیری اسرائیل در یک جنگ گسترده در خاورمیانه، وزارت امور خارجه آمریکا روز سه‌شنبه اعلام کرد این کشور فروش ۲۰ میلیارد دلار تسلیحات، از جمله تعداد زیادی جنگنده و موشک‌های پیشرفته، به اسرائیل را تایید کرده است. تحویل جت‌های جنگنده اف-۱۵ که بخش اعظم این قرارداد را تشکیل می‌دهند، از سال ۲۰۲۹ آغاز خواهد شد. قرارداد میان آمریکا و اسرائیل شامل تسلیحات و جنگ‌افزارهایی از جمله بیش از ۵۰ جنگنده اف-۱۵، موشک‌های پیشرفته بمه‌های میان‌برد، مهمات تانک، خمپاره‌های انفجاری قوی و خودروهای تاکتیکی می‌شود. وزارت امور خارجه ایالات متحده با انتشار بیانیهای اعلام کرده است که قرارداد پیشنهادی، با اهداف این کشور سازگار است چرا که واشنگتن به امنیت اسرائیل متعهد بوده و کمک به اسرائیل جهت توسعه و حفظ قابلیت دفاعی قدرتمند و آماده این کشور، برای منافع ملی ایالات متحده حیاتی است.

این قرارداد علاوه بر ۵۰ فروند جنگنده جدیدی که توسط شرکت بوئینگ تولید می‌شود، شامل کیت‌های ارتقاء و اصلاح ناوگان فعلی جنگنده اف-۱۵ اسرائیل با موتور‌ها و رادارهای جدید خواهد بود. تحقق این قرارداد سواها طول می‌کشد و انتظار نمی‌رود این تسلیحات به زودی به اسرائیل برسد؛ بخش بزرگی از این قرارداد برای کمک به افزایش توان نظامی اسرائیل در درازمدت بوده و قرار است نخستین سیستم‌ها از سال ۲۰۲۶ تحویل

«هوش مصنوعی» اسپیلبرگ در صدر فیلم‌های دهه ۲۰۰۰

نشریه |بندی‌وایر،

فهرستی از ۱۰۰ فیلم

برتر دهه ۲۰۰۰ را منتشر کرده که فیلمی از استیون اسپیلبرگ در رتبه اول آن دیده می‌شود نه آثاری از دیوید لینچ، آلفونسو کوارون، پل توماس اندرسون یا برادران کوئن. این فهرست که با آرای تمامی نویسندگان نشریه تنظیم شده، هوش مصنوعی اسپیلبرگ بهترین فیلم دهه نامیده شده و بالاتر از آن بی‌بی ساخته ادوارد یانگ، جاده مال‌هالند ساخته دیوید لینچ قرار گرفته است. فیلم‌هایی مانند میامی وایس به کارگردانی مایکل مان یا «ماری آنتوانت به کارگردانی سوفیا کاپولا که در ابتدا با استقبال روبرو نشدند اما با گذر زمان به محبوبیت رسیدند، در این فهرست دیده می‌شوند. از سوی دیگر انتخاب‌هایی چون فراموش کردن سارا مارشال و دوازده یارد پازوئن ساخته استیون سودربرگ که در رتبه‌های ۳۰ و ۸۲ ایستاده‌اند غیرمنتظره است. فیلم‌های شوالیه تاریکی، هزار توی پن، رفتگان، سابقه خشونت، قتل جسی جیمز و ممنتو از نگاه «بندی‌وایر» در میان ۱۱۰ اثر برتر دهه جایی ندارند. (۲۵نما)

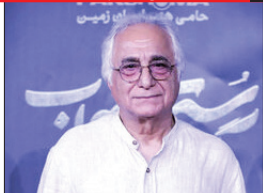
تلوزیون



«هوش مصنوعی» اسپیلبرگ در صدر فیلم‌های دهه ۲۰۰۰

نشریه |بندی‌وایر، فهرستی از ۱۰۰ فیلم برتر دهه ۲۰۰۰ را منتشر کرده که فیلمی از استیون اسپیلبرگ در رتبه اول آن دیده می‌شود نه آثاری از دیوید لینچ، آلفونسو کوارون، پل توماس اندرسون یا برادران کوئن. این فهرست که با آرای تمامی نویسندگان نشریه تنظیم شده، هوش مصنوعی اسپیلبرگ بهترین فیلم دهه نامیده شده و بالاتر از آن بی‌بی ساخته ادوارد یانگ، جاده مال‌هالند ساخته دیوید لینچ قرار گرفته است. فیلم‌هایی مانند میامی وایس به کارگردانی مایکل مان یا «ماری آنتوانت به کارگردانی سوفیا کاپولا که در ابتدا با استقبال روبرو نشدند اما با گذر زمان به محبوبیت رسیدند، در این فهرست دیده می‌شوند. از سوی دیگر انتخاب‌هایی چون فراموش کردن سارا مارشال و دوازده یارد پازوئن ساخته استیون سودربرگ که در رتبه‌های ۳۰ و ۸۲ ایستاده‌اند غیرمنتظره است. فیلم‌های شوالیه تاریکی، هزار توی پن، رفتگان، سابقه خشونت، قتل جسی جیمز و ممنتو از نگاه «بندی‌وایر» در میان ۱۱۰ اثر برتر دهه جایی ندارند. (۲۵نما)

محمد شمس لنگرودی



به نظرم تماشای نمایش «تبردر رستم و سهراب» از هر جهت جالب است. در درجه اول، به عقیده من که کارم ادبیات است، متن ایسن نمایش، خلافانه است. یعنی متنی نیست که نعل به نعل از روی داستان فردوسی برداشته شده باشد. دخالتی که نویسنده در داستان رستم و سهراب کرده است، به همراه حضور راوی در نمایش، کار را جذاب کرده است و نمایش توانسته موضوع ترازیک بودن داستان فردوسی را نشان دهد. دور نمایش عالی است و برای من بسیار لذت بخش بود. بازی ها نیز خوب بود و همه این موفقیت ها به کارگردانی خوب حسین یارسانی برمی گردد که تلاش او جواب داده است و من از نمایش خوشم آمد.

ایسنا

۲۱ مرداد

مرجان گلچین



(در واکنش به ساخت جوکر خانم ها) باید ابتدا به احسان علیخانی بابت ساخت این برنامه تبریک گفت. او تمام تلاشش را کرد تا ثابت کند خانم ها در عرصه کمدی چیزیی از آقایان کم ندارند و تنها باید به آنها فرصت داد. جرئت کرد تا حرفش را اثبات کند. من جزء اولین نفراتی بودم که آقای علیخانی به من لطف داشتند و همچنان هم به من محبت می کنند و تماس می گیرند برای حضور در این برنامه. نمی دانم به دلیل سن و سال است یا گذشت زمان، کمی نسبت به وارد شدن در چنین فضاهایی دست به عصا شدم. اینکه خود واقعی ام را مقابل تصویر به نمایش بگذارم، برای من کمی جای شک و تردید دارد.

روزنامه شرق

۲۰ مرداد

علیرضا خمسه



برای همه بازیگران، حضور در نقش های چندلایه جذاب تر از نقش های معمولی است. بازیگران ایفای نقش های متنوع را دوست دارند. این قاعده ای است که من هم برای آن استثنایی قائل نشدم. کما اینکه چند سال پیش در سریال «میکائیل» نقشی منفی برعهده داشتم یا در سریال «زمین گرم» ساخته سعید نعمت الله نقشی کاملاً مذهبی را بازی کردم و... منظورم این است که برخلاف تصور عموم مردم، در نقش های غیر کمدی هم بازی کردم و جالب است بدانید که در نهایت برای ایفای نقشی جدی در فیلم «بیست» بود که موفق به دریافت جایزه سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد مکمل از جشنواره فیلم فجر شدم.

ایرنا

۲۴ مرداد

نجم الدین شرعیتی



(مجری برنامه حسینیّه معلی) ما متوجه شدیم برای خردسالان و کودکان برنامه حسینیّه معلی بسیار جذاب است و آنها هم به مخاطبان می شوند فردی بزهکار که سلامت روح و روان را به خطر می اندازند. هر کدام از ما با اندک توجهی به کودکان کار می توانیم از آسیب به آنها جلوگیری کنیم. ضمن اینکه اگر کسی توان مالی داشت هم می تواند به مراکز معتبری مانند انجمن کودکان کار و خیابان یا خیریه لبخند ایستام کمک کند. چون این مراکز امکان آموزش رایگان و توانمندی را فراهم می کنند که این کودکان در آینده، از عهده مسائل مالی و امورات شخصی شان بایزند.

نشست برنامه حسینیّه معلی

۲۴ مرداد

نیوشا ضیغمی



کودکان، آینده کشور را می سازند و به هر کدام از آنها اگر پرداخته شود، به استعداد و فردی تاثیر گذار تبدیل می شوند و در غیر این صورت می شوند فردی بزهکار که سلامت روح و روان را به خطر می اندازند. هر کدام از ما با اندک توجهی به کودکان کار می توانیم از آسیب به آنها جلوگیری کنیم. ضمن اینکه اگر کسی توان مالی داشت هم می تواند به مراکز معتبری مانند انجمن کودکان کار و خیابان یا خیریه لبخند ایستام کمک کند. چون این مراکز امکان آموزش رایگان و توانمندی را فراهم می کنند که این کودکان در آینده، از عهده مسائل مالی و امورات شخصی شان بایزند.

ایرنا

۲۰ مرداد

چالش در غربت

«غربت» هشتمین سریال بهار کیان افشار در شبکه نمایش خانگی است و می توان آن را پُرچالش ترین نقش او دانست: صنم؛ زنی مرموز که مقدمات یک دزدی بزرگ را فراهم آورده. کیان افشار بارها نقش هایی متفاوت ایفا کرده و حالا نکته خاص، اینکه در «غربت» پذیرفته چهره زیبایی او دستخوش تغییر شود تا شخصیت برای مخاطب باورپذیر باشد. صورت صنم پر از لک و پپس است و احتمالاً همین ویژگی، یکی از عناصر کارپردی برای روایت سرنوشت کاراکتر خواهد بود. پخش سریال، جمعه گذشته در نماوا شروع شد و فردا همزمان با انتشار قسمت دوم، می توان به شکل جزئی تر پیی به قصه و روابط شخصیت ها برد. تا همین جا باید گفت در جغرافیای داستانی «غربت»، شرایط برای بهار کیان افشار مهیا است تا باز هم توانمندی خود را به رخ بکشد. «عاشقانه» و «گلشیفته» اولین و دومین حضور موفق او در مدیوم خانگی هستند که برای آن ها نامزد دریافت تندیس جشن حافظ نیز شد. کیان افشار حالا به «غربت» و نقش خاص صنم رسیده. بازی او در قسمت اول چند نقطه عطف داشت که محض نمونه می توان به سکانس رقص غریبانه فرید (حسین مهری) اشاره کرد. بار دیگر به تغییر چهره بازیگر از حالت شادی به غم توجه کنید...

چهره هفته

بهار کیان افشار

این فیلم ها را ببینید

بید مجنون / پنجشنبه / ساعت ۱۰ / شبکه سه

کارگردان: مجید مجیدی
تهیه کننده: مجید مجیدی
نویسنده: مجید مجیدی
بازیگران: پرویز پرستویی، رویا تیموریان، لیلا و نادی
محصول: ایران / ۱۳۸۳

می توان به عنوان یک همکاری درخشان و ماندگار میان مجید مجیدی و پرویز پرستویی از آن یاد کرد. فیلم «بید مجنون» درباره مردی است که پس از سال ها طی عمل جراحی که در خارج از کشور انجام می گیرد، بینایی خود را باز می یابد و در ادامه با مشکلاتی در زندگی مواجه می شود. نابینایی که از ۸ سالگی بینایی خود را از دست داده است، آمیدی می یابد برای دیدن دوباره رنگ ها و خطوط زندگی عادی و حتی با خدا عهد می بندد که در صورت توان مجدد برای بینایی در راه خداوند زندگی کند.

پرواز از اردوگاه / جمعه / ساعت ۱۷ / شبکه افق

کارگردان: حسن کاربخش
تهیه کننده: حسن کاربخش
نویسنده: محمدرضا عالی پیام
بازیگران: جمشید هاشم پور، میر محمد تجدد، مجید میرزاییان
محصول: ایران / ۱۳۷۲

همین اواخر بود که انتشار یک تصویر از دوران بیماری جمشید هاشم پور، بسیاری از دوستداران سینمای ایران را سرشار از حسرت و افسوس کرد. بازیگری که بی شک یکی از ستاره های همیشگی سینمای ایران است و «پرواز از اردوگاه» از آثار ماندگار اوست. سرگرد خلبان عباس حلمی پس از دست یافتن به اطلاعات مهمی در عملیات شناسایی به اسارت نیروهای عراقی درمی آید. عباس با همکاری سایر اسرای ایرانی، نقشه فرار از اردوگاه را برای رساندن اطلاعات خود به نیروهای ایرانی ها طرح ریزی می کند اما عراقی ها به نقشه او پی می برند و این آغاز داستان است.

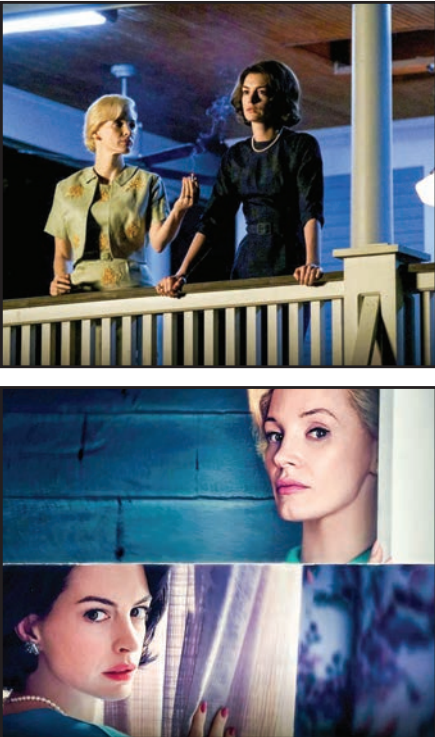
پای چپ من / جمعه / ساعت ۱۱ / شبکه سلامت

کارگردان: جیم شریدان
تهیه کننده: نوئل پیرون
فیلمنامه: شین کاناکتون
بازیگران: دانیل دی لوئیس و برندا فریگر
محصول: آمریکا / ۱۹۸۹

یکی از درام های جذاب و به یاد ماندنی در تاریخ سینما همین فیلم «پای چپ من» است. فیلم داستان زندگی کریستی براون است که مبتلا به فلج مغزی است و تنها می تواند پای چپ خود را حرکت دهد. یکی از اصلی ترین برگ برنده های فیلم هم درخشش بازیگران اصلی آن است که شدت روایت آن را تماشایی تر کرده است. این فیلم برنده جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد برای دانیل دی لوئیس شد. همچنین جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را برندا فریگر برای بازی در همین فیلم از آن خود کرد.

پیشنهاد ویژه هفته

گزینه مادران | فیلمو، فیلمنت



نمای کلی

کارگردان: بنو دلوم

نویسنده: باربارا ابل

تهیه کننده: ژاک هنری برونکارت

بازیگران: آن هاتاوی، جسیکا چستین، جاش چارلز، کارولین لاگرفلت

محصول: آمریکا / ۲۰۲۴

زبان: انگلیسی / دوبله، زیرنویس

زمان: ۷۹ دقیقه

درباره فیلم

«غریزه مادران» یک تریلر روانشناختی آمریکایی است از بنو دلوم که نخستین فیلم بلند کارنامه اش را کارگردانی کرده است. البته بنو دلوم فرانسوی، مدیر فیلمبرداری شناخته شده ای است که با کارگردانی چون جولین اشنابل، جیمز مارش، جان هیلکوت و آل پاچینو همکاری کرده است. «غریزه مادران» بازسازی اثری فرانسوی زبان محصول ۲۰۱۸ به کارگردانی اولیویه ماسه-دپاسه است که خودش بر اساس رمان سال ۲۰۱۲ پارابارا ابل به همین نام ساخته شده است. جسیکا چستین و آن هاتاوی ستارگان اصلی «غریزه مادران» هستند که منتقدان نظریه های مثبت و منفی متفاوتی درباره اش دارند. این سومین فیلمی است که جسیکا چستین و آن هاتاوی در آن بازی کرده اند اما نخستین فیلمی به شمار می رود که در آن هفتخانه ها مشترک دارند. دو فیلم قبلی «میان ستاره ها» و «زمان آرماگدون» بودند که این دو ستاره در آن ها حضور داشتند.

درباره داستان

الیس و سلین در آمریکای دهه ۱۹۶۰ و منطقه ای در حومه شهر، همسایه یکدیگرند و هر دو پسرانی هم سن و سال دارند. الیس برای تولد سلین مخفیانه ترتیب یک مهمانی را می دهد که در جریان آن، نشانه های خصوصی میان الیس و شوهرش پدیدار می شوند. روز بعد، مکس پسر سلین، به دلیل بیماری در خانه می ماند و به مدرسه نمی رود. الیس ناگهان مکس را در تراس می بیند که می خواهد خانه پرندهای را که در مدرسه ساخته جایی آویزان کند. الیس که احساس خطر کرده است می کوشد خودش را به او برساند و زمانی که موفق نمی شود خانه را دور می زند تا از در ورودی به مادرش خبر بدهد. دو مدار نمی توانند به موقع کاری بکنند و مکس سقوط می کند، داستان فیلم شاید به ظاهر پیچیده نباشد اما روایتی تاثیرگذار از چالش های خانوادگی دارد.

نظر منتقدان

منتقد امپایر در مطلبی به بهانه اکران «غریزه مادران» نوشت: «تریلر های درجه یک بزرگسالانه به ندرت ساخته می شوند و تعدادشان اندک است اما «غریزه مادران» این خلأ را به شایستگی پر می کند. فیلم با طراحی تولیدی عالی و خیال انگیز، پرتره ای هیجان انگیز و دلپذیر از دسیسه ای روان شناسختی را ترسیم می کند.» منتقد فیلم ایستچ هم معتقد است: «در حالی که فیلم در پرده سوم به ملودرامی عامه پسند اما اجتناب پذیر بدل می شود ولی تا رسیدن به پرده سوم، اثری عالی است.» دانیل کلارک اما ناگهی تندوتیزتر درباره فیلم دارد و درباره آن نوشته است: «پیزرنگ فیلم زیاله است؛ اما بازی ها و برخی از وجوه فنی قابل تامل هستند.» منتقد روایتی هم این فیلم را دوست ندارد و می نویسد: «غریزه مادران نفس نمی کشد! شکوه ملودرام های بزرگ را هم ندارد و همین طور درایت نوارهای بزرگ را.»

ترین های هفته

انتقاد هفته | این دیگر چه گزارشی بود

گزارش رسول مهریانی در مسابقات تکواندوی المپیک هیچان داشت اما عملکردش با نقدهای جدی مواجه شد. تازه ترین مورد مطلبی است که ایسنا منتشر کرده: گزارشگر مربوطه با به کار بردن عبارات عجیب و غریب، فریادهای بی مورد و الفاظ بی جا، سعی می کرد حتی بیش از نمایش تکواندوکاران، محور توجهات نباشد و بارها و بارها بیننده به جای اینکه ذهنش درگیر عملکرد خیره کننده تکواندوکاران باشد و از شنیدن گزارش مسابقه لذت ببرد، باید از خود سوال می پرسید که این دیگر چه نوع گزارشی است و چرا باید چنین مسابقه حساس و جذابی را با چنین گزارش غیراستانداردی، تماشا کند.

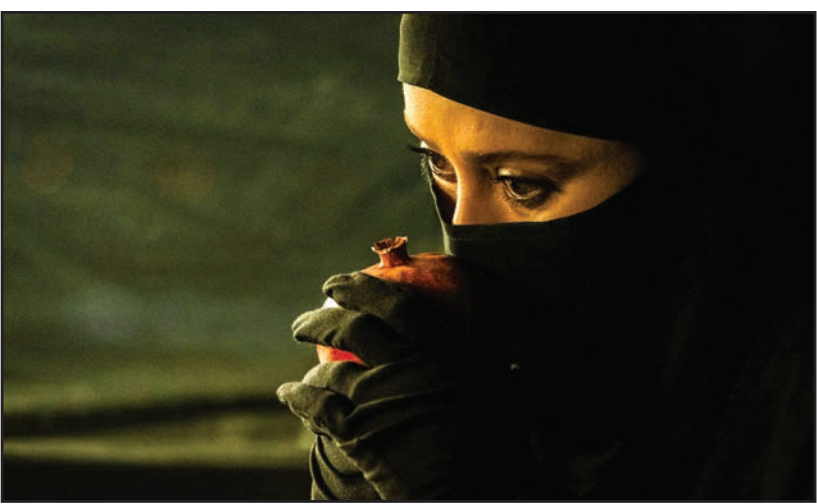
تکرار هفته | صمدی دوباره تهیه کننده شد

آزاده صمدی که در کنار بازیگری، گاهی هم در مقام تهیه کننده با برخی از آثار نمایشی همکاری می کند، به تازگی تهیه کنندگی تئاتر جدیدی را برعهده گرفته. این نمایش «ورق الخیال» نام دارد که با کارگردانی اسماعیل گرچی به زودی در تماشاخانه ایران شهر روی صحنه می رود. متن این اثر نمایشی را محمدصادق گلچین عارفی نوشته و اسماعیل گرچی، بازیگر شناخته شده تئاتر آن را کارگردانی می کند و خود نیز ایفاگر یکی از نقش های آن است. عبدالحمید گودرزی، علی محمودی، محمدصادق گلچین عارفی و ایمان صیاد برهانی، دیگر بازیگران این نمایش هستند. آزاده صمدی پاییز سال گذشته تهیه کنندگی دور دوم اجرای نمایش «وینوین» را برعهده گرفت.

تغییر چهره اکران

دو فیلم «مست عشق» و «سال گریه» چهارشنبه ۲۴ مرداد ماه به اکران سراسری خود پایان دادند و نمایش آنها فقط در گروه سینما فرهنگ ادامه پیدا می کند. «مست عشق» با رسییدن به مرز فروش ۱۲۰ میلیارد تومان توانست عنوان پر فروش ترین فیلم غیر کمدی سینمای پس از انقلاب را به دست بیاورد. فیلم کمدی «سال گریه» از ۲۲ فروردین ماه روی رفته و در هفته های اول فروش بسیار خوبی داشت اما فروش آن آرام آرام کاهش پیدا کرد و ۶۴ میلیارد تومان فروش برای آن به ثبت رسیده است. شورای صنفی نمایش ضمن اعلام پایان اکران سراسری فیلم های «مست عشق» و «سال گریه» از ثبت قرارداد اکران ۴ فیلم جدید خبر داد. فیلم های «قلب رفته»، «سفر پرماجرا» از چهارشنبه ۲۴ مرداد ماه اکران سراسری خود را شروع کردند و «خانه شیشه ای» و «باغ کیناوش» هم می آیند.

عکس هفته



تجربیات دیدنی در انگلیس، جذاب‌ترین درمیانۀ تابستان

مسئلفی آرانی | روز پنجشنبه و جمعه، روز خوبی برای فوتبالی‌ها در ایران و البته سراسر جهان است: چون لیگ برتر انگلیس در این روز آغاز می‌شود. لیگ‌کی که بسیاری در جهان آن را جذاب‌ترین لیگ فوتبال می‌دانند. البته ماجرای لیگ برتر، فقط جذابیت فوتبالی نیست و مسائل مالی و حتی سیاسی هم در کار است. سال گذشته، درآمد کل باشگاه‌های انگلیسی حاضر در لیگ برتر از این لیگ، شش میلیارد و ۱۱۰ میلیون پوند بوده است. این میزان حدود هشت میلیارد دلار است و تقریباً یک‌چهارم کل درآمد ایران از محل فروش نفت است. این نظر سیاسی هم همان‌طور که می‌دانید، امریکایی‌ها، از اعراب و چینی‌ها هم در این لیگ، سرمایه‌گذاری قابل توجهی کرده‌اند.

از این رو تصمیم گرفتیم، این هفته ۱۰ نکته مختلف از لیگ برتر انگلیس را پیش روی شما بگذاریم تا حتی اگر فوتبالی نیستید، ببینید که چرا فوتبالی‌ها اینقدر برای شروع این لیگ ذوق و شوق دارند. لیگی که از این به بعد، تقریباً هر هفته جمعه تا یکشنبه علاقه‌مندان فوتبال را پای تلویزیون‌ها خواهد نشاند تا ببینند حوالی خر‌داده‌ها سال آینده آیا باز هم منجستر سیتی خواهد بود که قهرمان خواهد شد یا این‌بار دیگر نوت به نیم آقای گواردیولا نخواهد رسید و شانس در خانه تیم دیگری را خواهد زد.

۱ | از کی شروع شد؟

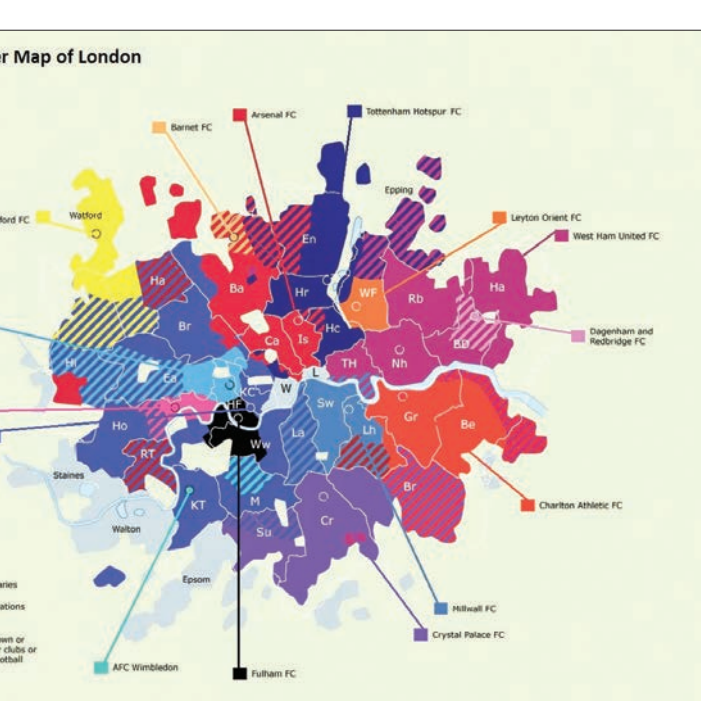
آغاز لیگ برتر انگلیس محصول دو فاجعه در استاد یوم‌های آن کشور، قرار دادهای مهم تلویزیونی و البته رنجی است که فوتبال‌دوستان انگلیس (مهد فوتبال)، از وضعیت لیگ و باشگاه‌های خود می‌بردند.

در واقع فوتبال اروپا در دهه ۸۰ میلادی رشد چشمگیری داشت ولی انگلیس در بهترین حالت، داشت در ج‌ام می‌زد. از سال ۱۹۸۵ تا سال ۱۹۹۹، یعنی طرف حدود ۱۴ سال هیچ تیم انگلیسی نتوانست به فینال لیگ قهرمانان اروپا برسد. وضعیت استادیوم‌ها خراب بود، مملو از هوکنگلیسم و خرابکاری طم‌فردان افراطی و با امکاناتی ضعیف، مجارایی که باعث دو فاجعه پی‌در پی آن هم برای یک باشگاه در اروپا شد. در فاجعه اول در سال ۱۹۸۵، که به فاجعه «ورزشگاه هپسل» معروف است بر اثر ریزش دیوار در جریان فینال لیگ قهرمانان اروپا، ۳۴ هوادار یوونتوس کشته شدند و در نتیجه تیم‌های انگلیسی، پنچسال و لیورپول، شش‌سال از فاجعه دیگری که معروف است به «فاجعه هیلزبور» در جریان نیمه‌پای جام حذفی فوتبال انگلستان، ۹۷ هوادار

چنین وضعیتی و درآمد ک باشگاه‌ها و البته حضور برخی مدیران جاه‌طلب تجاری باعث شد که باشگاه‌های بزرگ به فکر ببندند که در مداهای کلانی برای خود ایجاد کنند. تلویزیون‌ها هم با این موضوع را آه‌آه‌آه‌آه‌آه در حالی که درآمد هر یک از باشگاه‌های دسته اول انگلیس تا قبل از سال ۱۹۸۶ در هر فصل ۵هزار پوند بود، سه‌سال بعد این مبلغ به ۲۰۰ هزار پوند رسید. با این حال جادولنی‌ها ادامه داشت و این رو، مطرح می‌شاید آنچه چند سال قبل در اروپا مطرح شد یعنی طرح سور لیگ که به برخی از تیم‌های برتر اروپا پیشنهاد شد. به آن‌ها گفته شد که هواداران دوست دارند بازی‌های جذاب‌ات‌ان را ببینند و نه رویایی آنان این‌تیم‌های ضعیف را و پول خوبی هم به آن‌ها پیشنهاد شد ولی اتحادیه فوتبال انگلیس از این موضوع هراس پیدا کرد و طرحی برای ارتقای وضعیت فوتبال باشگاهی داخلی در این کشور ایجاد کرد که در سال ۱۹۹۲ آغاز شد و آن طرح چیزی نبود جز ایجاد یک لیگ با ۲۲ تیم در حال حاضر ۲۰ (تیم) با عنوان «لیگ برتر انگلستان». به این ترتیب، لیگ دسته اول سابق که ۱۰۴ تیم داشت فعالیت داشت، کنار رفت و رسماً در ۱۵ اگوست ۱۹۹۲، مصادف با شنبه ۱۴ مردادماه ۱۳۷۱، بازی‌های بین شفیاد یونایتد و منجستر یونایتد برگزار شد و برابان دین از شفیلد، اولین گل لیگ را به ثمر رساند. البته آن بازی را شفیلد باخت و منجستر یونایتد، پیروزی اولین بازی، در آخر فصل هم قهرمان شد.

۲ | لیگ لندن‌ها، جام منجستری‌ها

شش‌تیم هستند که در تمام ۳۳ فصل لیگ برتر انگلیس



حضور داشته‌اند. منجستر یونایتد، آرسنال، چلسی، لیورپول، تاتنهام و اورتون. از میان این شش باشگاه سه باشگاه مربوط به شهر لندن هستند. آرسنال، چلسی و تاتنهام که همان‌طور که در نقشه می‌بینید، تقریباً در شمال و غرب لندن یک جورهایی با هم همسایه هستند. لیورپول و اورتون هر دو برای شهر لیورپول هستند و منجستر هم که از نامش مشخص است به برخی از تیم‌های برتر انگلیسی پیشنهاد شد. به آن‌ها گفته شد که هواداران دوست دارند بازی‌های جذاب‌ات‌ان را ببینند و نه رویایی آنان این‌تیم‌های ضعیف را و پول خوبی هم به آن‌ها پیشنهاد شد ولی اتحادیه فوتبال انگلیس از این موضوع هراس پیدا کرد و طرحی برای ارتقای وضعیت فوتبال باشگاهی داخلی در این کشور ایجاد کرد که در سال ۱۹۹۲ آغاز شد و آن طرح چیزی نبود جز ایجاد یک لیگ با ۲۲ تیم در حال حاضر ۲۰ (تیم) با عنوان «لیگ برتر انگلستان». به این ترتیب، لیگ دسته اول سابق که ۱۰۴ تیم داشت فعالیت داشت، کنار رفت و رسماً در ۱۵ اگوست ۱۹۹۲، مصادف با شنبه ۱۴ مردادماه ۱۳۷۱، بازی‌های بین شفیاد یونایتد و منجستر یونایتد برگزار شد و برابان دین از شفیلد، اولین گل لیگ را به ثمر رساند. البته آن بازی را شفیلد باخت و منجستر یونایتد، پیروزی اولین بازی، در آخر فصل هم قهرمان شد.

تعداد نمایندگان منجستر به دو ولدن به چهار خواهد رسید و دو نماینده هم که از لیورپول حضور داشتند و دو نماینده دیگری هم از شهرهای بیرمنگام و تین هستند. منجستر یونایتد دارد که در نقشه می‌بینید، تقریباً در شمال و غرب لندن یک جورهایی با هم همسایه هستند. لیورپول و اورتون هر دو برای شهر لیورپول هستند و منجستر هم که از نامش مشخص است به برخی از تیم‌های برتر انگلیسی پیشنهاد شد. به آن‌ها گفته شد که هواداران دوست دارند بازی‌های جذاب‌ات‌ان را ببینند و نه رویایی آنان این‌تیم‌های ضعیف را و پول خوبی هم به آن‌ها پیشنهاد شد ولی اتحادیه فوتبال انگلیس از این موضوع هراس پیدا کرد و طرحی برای ارتقای وضعیت فوتبال باشگاهی داخلی در این کشور ایجاد کرد که در سال ۱۹۹۲ آغاز شد و آن طرح چیزی نبود جز ایجاد یک لیگ با ۲۲ تیم در حال حاضر ۲۰ (تیم) با عنوان «لیگ برتر انگلستان». به این ترتیب، لیگ دسته اول سابق که ۱۰۴ تیم داشت فعالیت داشت، کنار رفت و رسماً در ۱۵ اگوست ۱۹۹۲، مصادف با شنبه ۱۴ مردادماه ۱۳۷۱، بازی‌های بین شفیاد یونایتد و منجستر یونایتد برگزار شد و برابان دین از شفیلد، اولین گل لیگ را به ثمر رساند. البته آن بازی را شفیلد باخت و منجستر یونایتد، پیروزی اولین بازی، در آخر فصل هم قهرمان شد.

حالا در سطح دو فوتبال انگلیس بازی می‌کند ولی سابقه سقوط به سطح سه را هم داشته است. بعد از منجستر یونایتد، من سیتی بیشترین قهرمانی را دارد. به جز آن یک فصلی که در دوران افتخارات منجستر یونایتد بود، این تیم در چهار دوره اخیر لیگ‌برتر هم قهرمان شده و سه قهرمانی دیگر هم در این بین داشته. در واقع من سیتی از ۱۴ دوره اخیر لیگ‌برتر انگلیس فقط پنج‌دوره را قهرمان نشده است. نوار قهرمانی‌های پی در پی سیتی را یکبار منجستر یونایتد، دو بار چلسی، یک بار لیورپول و یک بار لیستر سیتی خراب کرده‌اند. در رده سوم افتخارات قهرمانی لیگ برتر هم چلسی قرار گرفته که تا به حال پنج‌بار قهرمان این لیگ شده است.

۳ | بلیت هر بازی، تقریباً ۳۵ میلیون

هوادران فوتبال ختماً نام برخی از استادیوم‌های انگلیس را به خوبی بلدند. می‌توانید خودتان را امتحان کنید؛ اولدترافورد، آلفرد، آمارات، آنجت. قدیمی‌ترین استادیومی که در حال حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد، استادیوم شفیلدیونایتد است که در سال ۱۸۵۵ ساخته شده است. یعنی هشت‌سال بعد از روی کار آمدن ناصرالدین شاه قاجار در ایران! اسمتفورد بریج چلسی هم ۲۲ سال بعد، وقتی هوشی ناصرالدین شاه در ایران پادشاهی می‌کرد، افتخاد شد. جدیدترین ورزشگاه ورزشگاه برنتفورد است که در سال ۲۰۲۰ ساخته شده است.

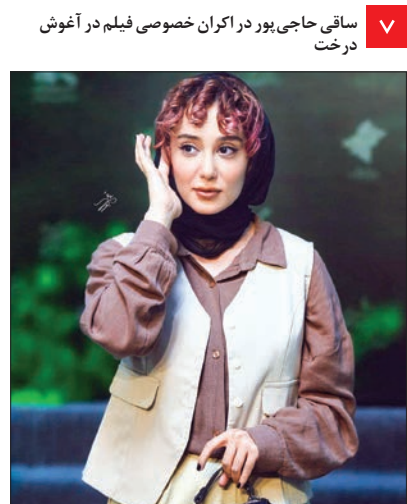
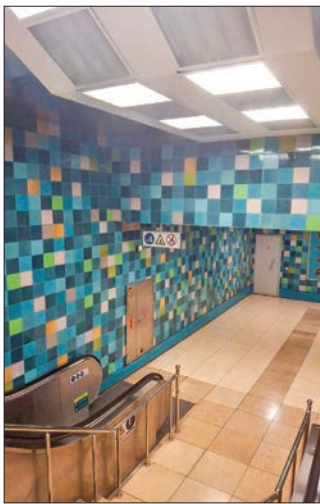
بیشترین میزان ظرفیت را در ورزشگاه ولدرترافورد منجستر یونایتد دارد که ۷۴ هزار و ۱۹۷ نفر در آن می‌تواند مسابقه را تماشا کنند. کمترین میزان ظرفیت هم برای استادیوم باشگاه ولون است و جالب است بدانید که هفت فصل، به آرسنال رسیده، سه فصل به چلسی؛ یک فصل به منجستر سیتی و یک فصل هم به تیم بلکبرن راورز که البته بعد از آن سقوط چشمگیری را تجربه کرد و با وجود اینکه

باشگاه	میانگین قیمت بازی‌های خانگی	ازان‌ترین بازی‌های خانگی	گران‌ترین بازی‌های خانگی
آرسنال	۲۸۵	نیوکاسل (۵۸۲)	ولور (۱۵۵)
چلسی	۲۰۵	من یونایتد (۲۵۱)	کریستال پالاس (۱۰۴)
لیورپول	۲۷۲	کریستال پالاس (۵۸۲)	بنفورد (۱۶۵)
من سیتی	۱۱۴	من یونایتد (۲۵۶)	ایسویج (۵۲)
من یونایتد	۱۲۸	من سیتی (۲۶۶)	فولام (۸۶)

باشگاه	میانگین قیمت بازی‌های خارج از خانه	ازان‌ترین بازی‌های خارج از خانه	گران‌ترین بازی‌های خارج از خانه
آرسنال	۲۵۸	نیوکاسل (۵۸۲)	ولور (۱۵۵)
چلسی	۲۰۵	من یونایتد (۲۵۱)	کریستال پالاس (۱۰۴)
لیورپول	۲۷۲	کریستال پالاس (۵۸۲)	بنفورد (۱۶۵)
من سیتی	۱۱۴	من یونایتد (۲۵۶)	ایسویج (۵۲)
من یونایتد	۱۲۸	من سیتی (۲۶۶)	فولام (۸۶)

قاب فرنگی

فوتنوشوت جدید فورگولونو ویرد بیت‌ای‌ج‌مجله ۱۵



سوزۀ هفته

یاد چه گاری؟

هفته گذشته سی‌اوش قمیشی در یک مصاحبه وقتی از او پرسیده شد «چرا با طرفداران عکس یادگاری نمی‌گیری؟» گفت: «یاد چه گاری؟» توییتری‌ها عاشق این ساختار زبانی شدند و ترکیب‌های جدیدی از این دست ساختند. **ساتورویا کاتا** استاد پیام‌داد از پاپان‌نامه چه خبر؟ گفتیم یادم چه نامهای؟ **سنا** یه ای می‌گم سسر این برج پس انداز می‌کنم ولی پس چه اندازی؟ **تقی**، من سه‌سال هم هرستستان درس خوندم، هنر چه استانی آخه؟ **اکترا کیوان هستم**، سردد باید روی

حرفش وایسه؟ وای چه سادنی عزیز من؟

«**قیرس** آخه؟» می‌گن تاپستون کوتاه، تاب چه ستونی آخه؟ «توییتری‌ها عاشق این ساختار زبانی شدند و ترکیب‌های جدیدی از این دست ساختند. **ساتورویا کاتا** استاد پیام‌داد از پاپان‌نامه چه خبر؟ گفتیم یادم چه نامهای؟ **سنا** یه ای می‌گم سسر این برج پس انداز می‌کنم ولی پس چه اندازی؟ **تقی**، من سه‌سال هم هرستستان درس خوندم، هنر چه استانی آخه؟ **اکترا کیوان هستم**، سردد باید روی

«**قیرس** آخه؟» می‌گن تاپستون کوتاه، تاب چه ستونی آخه؟ «توییتری‌ها عاشق این ساختار زبانی شدند و ترکیب‌های جدیدی از این دست ساختند. **ساتورویا کاتا** استاد پیام‌داد از پاپان‌نامه چه خبر؟ گفتیم یادم چه نامهای؟ **سنا** یه ای می‌گم سسر این برج پس انداز می‌کنم ولی پس چه اندازی؟ **تقی**، من سه‌سال هم هرستستان درس خوندم، هنر چه استانی آخه؟ **اکترا کیوان هستم**، سردد باید روی

کرد که من قیلا ندیده بودم. تو انگلیسی منابشه هست که کلمه «لعنتی» رو میارن وسط کلمه. به این بخشی که میاد شب یک کلمه می‌گن **exif infix** چه تو فارسی شاید بشه یه گفت میاونند تاکیدن؟ و خاصیتش البته که معنای کلمه‌رو تغییر نمیده ولی روی بار احساسی تاکید می‌کنه.

«**ساتاراسدی**، براون اس‌اس‌اس شهروند یه وسط به عنوان میاونند چندین کلمه هم بر مرمرف برقی اومده. ماروژی سه بار بر مرمون قطع می‌شه. پر چه مرمرفی؟

کرد که من قیلا ندیده بودم. تو انگلیسی منابشه هست که کلمه «لعنتی» رو میارن وسط کلمه. به این بخشی که میاد شب یک کلمه می‌گن **exif infix** چه تو فارسی شاید بشه یه گفت میاونند تاکیدن؟ و خاصیتش البته که معنای کلمه‌رو تغییر نمیده ولی روی بار احساسی تاکید می‌کنه. «**ساتاراسدی**، براون اس‌اس‌اس شهروند یه وسط به عنوان میاونند چندین کلمه هم بر مرمرف برقی اومده. ماروژی سه بار بر مرمون قطع می‌شه. پر چه مرمرفی؟

«**الف سعدی**، قمیشی با عبارت «یاد چه گاری؟» به ساختار جدید و زبان فارسی

سر می‌برم. پاپان چه نامهای واقعا؟ «**ر**م، به پیشی، میو کردم بر گشت گفت me you ای؟» **اسماعیل**، در دزفولی هم داشتیم همین مدل حرف زدن رو، بر مرمرف‌های قدیم وقتی می‌خوان به یکی تیکه بدارن که مثلا کارش رو درست انجام نداده و اینا، به جای بار بار «الله می‌گن «بارت نکلا» حتی دیده شده

این وسط به عنوان میاونند چندین کلمه هم بر مرمرف برقی اومده. ماروژی سه بار بر مرمون قطع می‌شه. پر چه مرمرفی؟

«**یو کوهانسی**، یکی نوشته بود شما به کارما اعتقاد دارید؟ کار چه مایب آخه؟ ما هر



از توییتر تل

نام	باشگاه	حقوق هفتگی	حقوق سابقه‌ایته
هیرورینه	من سیتی	۲۰۰هزار	۲۰۰میلیون۸۰۰
فلند	من سیتی	۳۷۵هزار	۱۹میلیون۲۰۰
سلاح	لیورپول	۳۵۰هزار	۱۸میلیون۲۰۰
گازسرو	من یونایتد	۳۵۰هزار	۱۸میلیون۳۰۰
لوناکو	چلسی	۳۷۵هزار	۱۶میلیون۹۰۰
اسرلیکینگ	چلسی	۳۷۵هزار	۱۶میلیون۹۰۰
ریشفورد	من یونایتد	۳۰۰هزار	۵میلیون۶۰۰
برادر دوسلوا	من سیتی	۳۰۰هزار	۵میلیون۶۰۰
گریلیش	من سیتی	۳۰۰هزار	۵میلیون۶۰۰
فلانتر	آرسنال	۲۸۰هزار	۱۲میلیون۵۶۰

در حال حاضر نام دو استاد یوم به نام دو خط هوایی اماراتی است. استادیوم آرسنال به نام خط هوایی امارات مستقر در دوی است و استادیوم منجسترسیتی به نام خط هوایی الاتحاد، مستقر در ابوظبی. اتحاد قرارداد اسپانسرری با منجسترسیتی دارد ولی امارات، اصل خرج ورزشگاه جدید امارات را داده است و برای ساخت آن در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ حدود ۹۲۰ میلیون پوند خرج شده است.

در مورد بلیت استادیوم باید گفت که بستگی به هر باشگاه، حاسبت بازی و نیز محلی که در ورزشگاه می‌نشینید، قیمت بلیت فرق می‌کند. البته زمان خرید هم، می‌تواند روی قیمت تاثیر بگذارد. در حال‌حاضر کمترین قیمت بلیت برای یک بازی، ۴۵ دلار است و بیشترین میزان حدود ۱۰۷ هزار دلار و میانگین قیمت ۵۲۷ دلار است. (میانگین

حقوق یک فرد در بریتانیا در سال حدود ۵۵هزار دلار است) خیال کنید که لزوماً بلیت‌های گران برای باشگاه‌های برتر است. در حال حاضر بیشترین میزان میانگین قیمت بلیت برای بازی‌های خانگی برای تیم بورنموث است که میانگین قیمت بلیت‌های بازی‌های داخ‌اش ۵۵۰ دلار است. برای

بازی‌های خارجی هم، رکورد دست لیورپول است با ۲۷۶ دلار. اینجا می‌توانید هزینه بلیت پنج باشگاه برتر را به نقل از سایت Seatpick ببینید:

۴ | هفته‌ای ۳۰ میلیارد برای آقای دپیرورنه

این فصل در لیگ برتر انگلیس یک میلیارد و ۸۲۱ میلیون و



بازیکانی که بیشترین میزان حقوق را دارند می‌توانید در این جدول ببینید. اوایل پوند است و هر پوند دیروز حدودا ۷۶هزار تومان بود. از نظر باشگاهی اگر بخواهید بدانید، در حال حاضر گران‌قیمت‌ترین باشگاه از نظر اسواد ۲۴ نفره، منجسترسیتی یونایتد است ۹۲ میلیون پوند است و بعد از آن چلسی با ۷۸ میلیون پوند و منجسترسیتی با ۹۹ میلیون پوند قرار دارند. در پایین جدول شفیلد یونایتد با ۱۳۰ میلیون پوند قرار گرفته است. در میان مرمیان پپ گواردولابا ۲۰ میلیون دلار حقوق در صدر استفاده و آرتا در آرسنال با فاصله برای یک فصل ۹۵میلیون دلار می‌گیرد. تن هاگ در منجستر هم ۹ میلیون دلار برای یک فصل خواهد گرفت. کمترین حقوق را مرمی نورموث خواهد گرفت، یک میلیون دلار برای یک فصل.

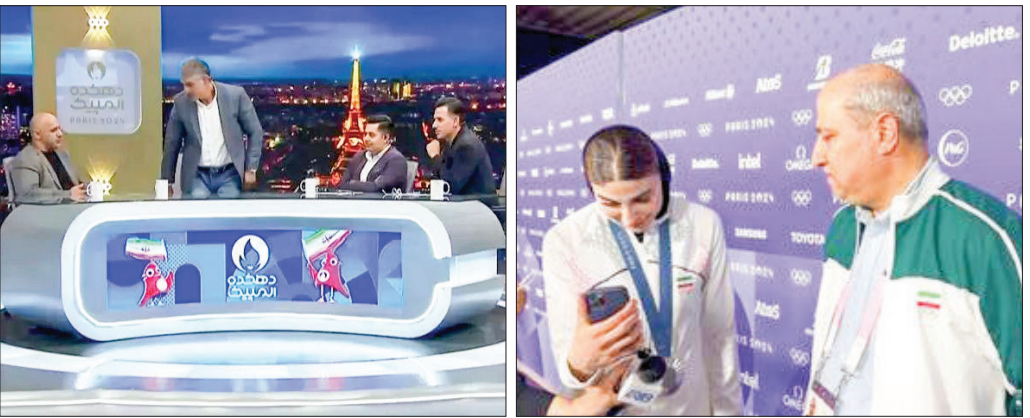
۵ | ۴۴ میلیون پورو در آمد فقط از حق پخش!

نموداری که می‌بینید در آمدهای باشگاه منجسترسیتی، برآمدترین باشگاه فعلی در لیگ برتر انگلیس را نشان می‌دهد. حدود ۸۵میلیون پورو در سال ۲۰۲۳ تا کنست به سل قابل از آن ۱۳ درصد رشد داشته است. اگر می‌خواهید شاهکار مدیران باشگاه را ببینید، به نمودار پنج‌ساله نگاه کنید که این درآمد از ۱۱ میلیون پورو به اینجا رسیده است و به این ترتیب خود را در ده ششم باشگاه‌های برآمد، گاهی به ده اول و در سال گذشته، به رده دهم بعد از رئال مادرید رسانده است. ۹۹ میلیون پورو در آمد این باشگاه مربوط به پخش تجاری آن بوده است شامل فروش گی‌های ورزشی با استفاده از فرصت تبلیغاتی در استادیوم و ... ۴۴ میلیون پورو هم مربوط به حق پخش بوده است و فقط ۹ میلیون پورو مربوط به بلیت‌فروشی در بازی‌ها بوده است. نکته قابل توجه دیگر این است که با وجود اینکه نسبت حقوق و مزایا به کل درآمد باشگاه در سال ۲۰۲۲ به ۱۳ درصد رسیده ولی باشگاه توانسته آن را در سال گذشته به

باشگاه	درآمد ۲۰۲۲	درآمد ۲۰۲۳	رشد	تجاری	حق پخش	بلیت بازی
منجستر یونایتد	۶۸۸	۷۲۵	۸	۳۵۵	۲۴۰	۱۵۱
لیورپول	۷۰۱	۶۸۲	۳	۲۹۸	۲۸۲	۱۰۲
چلسی	۵۶۸	۵۸۹	۴	۲۲۲	۲۶۰	۸۸
آرسنال	۴۳۳	۵۲۲	۲۳	۱۹۵	۲۲۰	۱۱۸
من یونایتد	۱۲۸	۲۲۶	من سیتی (۲۶۶)	فولام (۸۶)	بریمووث (۳۱۷)	اورتون (۱۰۲)

ویدئوهای برنیزد هفته

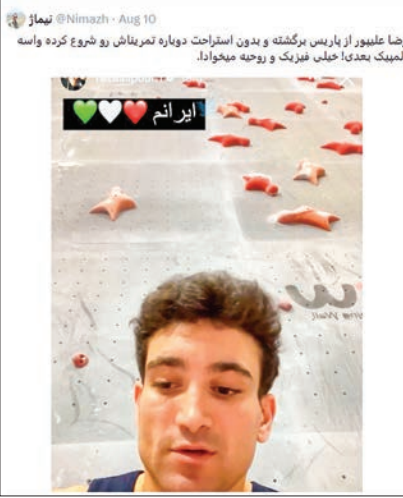
جنجال علیرضا حیدری، خدا خدای گزارشگر توکاندو و مادر شوهر سمج



این هفته برنیزدترین ویدئوهای المپیک برناده، بعد از پیروزی زاهدی‌د کبابی در مقابل کیمیا علیزاده، زهرا پزشکیان، دختر رئیس‌جمهور به صورت تصویری با کبابی تماس گرفت اما به خاطر اینترنت رفت ضحیت نتوانست با او صحبت کند. علیرضا حیدری، پیشکسوت کشتی در وزیریم‌نامه احساس که به مبارزه کردن علیزاده و کبابی مقابل هم اشاره کرد و گفت: «اولن لحظه که این ورزشکاران خاتم مسایقه دادن دلم گرفت. برد و باختن مهم ولی به کسی پی‌نانه میشه، به کسی دورش این همه آدم هستند، دلم سوخت. به نظرم غربتی که اون آدم تو نگاهش کرد، خیلی تاثیر گذار بود و دوست نداشتم که بچه خودمون رو این شکلی ببینم. امیدوارم دیگه این اتفاق نیفته و با افتخار در مسابقات خودمون شش کن» بدینم که «به خدا من در مرباب پچاش باشه. پسر فوقیا داره می‌ترسه، باید لالایی بگه بخوابه.»

مجریان این برنامه با علیرضا حیدری وسط برناده، بعد از پیروزی زاهدی‌د کبابی در مقابل کیمیا علیزاده، زهرا پزشکیان، دختر رئیس‌جمهور به صورت تصویری با کبابی تماس گرفت اما به خاطر اینترنت رفت ضحیت نتوانست با او صحبت کند. علیرضا حیدری، پیشکسوت کشتی در وزیریم‌نامه احساس که به مبارزه کردن علیزاده و کبابی مقابل هم اشاره کرد و گفت: «اولن لحظه که این ورزشکاران خاتم مسایقه دادن دلم گرفت. برد و باختن مهم ولی به کسی پی‌نانه میشه، به کسی دورش این همه آدم هستند، دلم سوخت. به نظرم غربتی که اون آدم تو نگاهش کرد، خیلی تاثیر گذار بود و دوست نداشتم که بچه خودمون رو این شکلی ببینم. امیدوارم دیگه این اتفاق نیفته و با افتخار در مسابقات خودمون شش کن» بدینم که «به خدا من در مرباب پچاش باشه. پسر فوقیا داره می‌ترسه، باید لالایی بگه بخوابه.»

مجریان این برنامه با علیرضا حیدری وسط برناده، بعد از پیروزی زاهدی‌د کبابی در مقابل کیمیا علیزاده، زهرا پزشکیان، دختر رئیس‌جمهور به صورت تصویری با کبابی تماس گرفت اما به خاطر اینترنت رفت ضحیت نتوانست با او صحبت کند. علیرضا حیدری، پیشکسوت کشتی در وزیریم‌نامه احساس که به مبارزه کردن علیزاده و کبابی مقابل هم اشاره کرد و گفت: «اولن لحظه که این ورزشکاران خاتم مسایقه دادن دلم گرفت. برد و باختن مهم ولی به کسی پی‌نانه میشه، به کسی دورش این همه آدم هستند، دلم سوخت. به نظرم غربتی که اون آدم تو نگاهش کرد، خیلی تاثیر گذار بود و دوست نداشتم که بچه خودمون رو این شکلی ببینم. امیدوارم دیگه این اتفاق نیفته و با افتخار در مسابقات خودمون شش کن» بدینم که «به خدا من در مرباب پچاش باشه. پسر فوقیا داره می‌ترسه، باید لالایی بگه بخوابه.»



رقیب بالاتر از دوتینگکی شدن.

«**کشتیکات**، این توکاندو کار تونس حریف مهران رزخورداری اینقد درازه که فاصله پای مهران تا شورش رو با تنیسی بخوای بری ۱۰۰۰ تومن کار میشه!»

«**ناظر بی طرف**، به شرکت خوروسازی بعد از المپیک می‌خواست به مرزاده خوروده‌یه بده، دعوتش کردن برای مراسم. وسط مراسم گفتن بریم ماشین رو نمون جهان بپه‌لان بدیم، بعد عامل و هزار نفر نمون ششون رفتن سرر ماکسیما، سولنجیو رو دادن به مرزاده بشینه به دوری برنه، نشست شمشیر شمشیر رفتا میر میر گفتن حتماً برمی‌گرده دین درنگشت، پشش رنگن دین کجایی پس؟ تو راه از دین بدیل.

تمرکزشون رو گذاشتند روی رقص هماهنگ. «**کاستنمو**، تو از اون روی مینگ که داره ضایع میشه و چرا به قهرمان المپیک، صندلی دانشگاه میدن و زحمت مایه که این همه تلاش کنی؟»

«**دادی**، بهترین حضور ایران تو المپیک برای بایده به جای تلاش برای کتنگور، برای المپیک ۲۰۱۲ لندن بود که ایران ۹۰ تا سکه‌اون بعد ۱۰ سال نسبت به یوپیگ رقابتی ایران مثبت بود. و سه سال طلای دیگه به ایران رسید و ایران با ۷۲ طلا دوازدهم شد، جالب‌ترین مدال طلا هم برای سعید محمدپورو بود که پنجم شد و دو تا

پاش می‌کشه روی کلاه طرف امتیاز میدن پشش، کار زمانی هادی ساعی‌ای طوری می‌زدن تو سر طرف، یارو ملیت خودش پادش می‌رفت که بتونه طلای المپیک بگیره. «**جیمی نورتون**، سر این ماجرای بدون کتنگور دانشگاه رفتن قهرمان‌ها خیلی‌ها به‌پشسون بر خورده. در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که دانشجوی دانشگاه یک ۵۰۰ دنیا فکر می‌کنه از مدال اور المپیک آدم مهم‌تره و جابگاشن باید سرقدن توکاندو.

«**دادی**، به چیز جالب اینکه تو المپیک ۲۰۱۲ لندن پادش مدال طلای تیم ایران، ۹۰ تا سکه‌اون تمام بودش. سخته، الان با ۶۵ میلیون موقع ۶۵ میلیون می‌شدن، الان با ۶۵ میلیون میشه به دونه سکه تمام و دونه نیمه سکه خرید. تو قول ادها بودی. سال‌های بعد می‌بری مامان

مزه‌پرائی‌های المپیک

این دوره از مسابقات المپیک هم تمام شد. کارپران از المپیک مسائل‌های قبل تجدید بدینم: «**رگس**، الان ۱۰ ساله بایام میگه برو گواهی‌نامه‌ت رو بگیر. با اسن خبر بپیر، گواهی چه‌نامه پدر من؟» **گوریل**، وقتی همه میگه بیاز دواچ کنیم: ازد چه واجی آخه؟ **تگین**، روز خبرنگار رو دیدن دادن تبریک می‌کن بهم، خبر چه نگاری؟ کدوم نگار؟» **میلور**، درفولیا و اهواز با یاد از این مدل کلمات استفاده می‌کنن و قمیشی هم اهوازسه. در نتیجه خیلی ذوق زده نشدید اختراع استاد نبود.

رویداد هفته



تخته بازی

ماجرای قیف و قیر در لیگ بر ترا

فصل جدید لیگ بر ترا امروز آغاز می‌شود. با اینکه در روزهای اخیر بارها درباره وضعیت پیچیده و نامشخص اکثر استادیوم‌ها نوشته‌ایم اما هنوز سیر نشده‌ایم! ماجرا آنقدر عجیب است که هر چه بنویسیم کم نوشته‌ایم! بدجور هم شبیه آن جوک قیف و قیر جهنم است! مثلاً ورزش‌شگاهی داریم که به گیت الکترونیکی مجهز است، چمنش خوب است، VAR دارد، به فرودگاه نزدیک است، در شهرش هتل ۵ ستاره به اندازه کافی موجود است اما سکوهای در حال بازسازی‌اش هنوز آماده بهره‌برداری نیست! ورزشگاهی داریم که گیت دارد، چمن هم دارد، برای استفاده از VAR هم مشکلی ندارد، به فرود گاه هم نزدیک است اما شهرش دو هتل ۵ ستاره ندارد! ورزشگاهی داریم که فقط سکو و چمن دارد، نه امکان استفاده از VAR را دارد، نه گیت الکترونیکی‌اش آماده است، نه به فرودگاه نزدیک است و نه در شهرش دو هتل ۵ ستاره وجود دارد! خلاصه که حتی بهترین و آماده‌ترین و مجهز ترین ورزشگاه هم یک عیب و نقصی دارد که باعث می‌شود حتی یک بازی هم در شرایط استاندارد بر گزار نشود. به همین ورزشگاه یادگار امام تبریز نگاه کنید. آقای تاج چند هفته پیش قول دادند که برنامه بازی‌های لیگ بر ترا جوری چیده شود که بازی‌ها در آخر هفته بر گزار شود تا تماشاگران بیشتری به ورزشگاه بیایند اما همین دبروز اعلام کردند که اگر مشکل گیت‌ها حل نشود، بازی تراکتور و پرسپولیس بدون تماشاگر بر گزار خواهد شد! خب وقتی چنین بازی مهمی ممکن است بی تماشاگر باشد، دیگر چه امیدی به بقیه بازی‌هاست؟ تکلیف تنها VAR آماده هم مشخص نیست و خب یک بار دیگر هم یادآوری می‌کنیم که لیگ بر ترا قرار است از امروز آغاز شود!

لیگ بیست و چهارم که از امشب آغاز می‌شود، تفاوت‌هایی با ادوار قبلی دارد. مهم‌ترین تفاوت استفاده از تکنولوژی VAR است که اگر چه فعلا فقط در یکی دو ورزشگاه به کار گرفته می‌شود اما به تدریج در همه بازی‌ها شاهد استفاده از این تکنولوژی خواهیم بود. تفاوت بعدی، نقل و انتقالات عجیبی است که باعث خواهد شد بعضی از بازی‌ها با حساسیت و بڑه‌ای دنبال شوند. امشب با برگزاری ۳ بازی و فردا با انجام ۵ بازی، هفته اول لیگ بیست و چهارم کلید خواهد خور.

❖ **پرسپولیس-دوب آهن (پنجشنبه ۱۹:۳۰)**
این بازی به میزبانی پرسپولیس در ورزشگاه امام خمینی اراک بر گزار می‌شود! هواداران این تیم بی‌صبرانه منتظر رونمایی از ورژن اسپانیایی تیمی هستند که فصل گذشته قهرمان شد، سرخ‌ها در بازی‌های تدارکاتی نتایج خوبی گرفته‌اند و بعد از جدایی ستاره‌هایی مثل بیراوند، اسماعیلی‌فر، ترابی و عبدالکریم حسن، توانستند تا حدودی خودشان را پیدا کنند و جای خالی این نفرت را با بازیکنان خوبی پر کنند. نگرانی بزرگ پرسپولیس ناآمادگی اورونوف است اما هواداران این تیم برای شروعی خوب و مقتدرانه، به خط دفاع محکم تیم‌شان و آمادگی علی‌علیپور دل بسته‌اند.

❖ **ملوان-گل گهر (پنجشنبه ۱۹:۴۵)**
این یکی از عجیب‌ترین بازی‌های هفته اول است. اروا با فصل گذشته سرمربی ملوان بود و نتایج خوبی با این تیم گرفت و حالا در سست در هفته اول باید مقابل تیم فصل گذشته‌اش قرار بگیرد. ملوان بعد از تارتار نیمکت خود را به سعید دقیقی سپرد که فصل خوبی را با شمس‌آذر

نه به آن خنده‌ها، نه به این تهدید!

واقعا نمی‌دانیم تکلیف بعضی از ورزشکاران با خودشان چیست. به امیرحسین زارع نگاه کنید. بعد از شکست خوردن از قهرمان گرجستانی در فینال، با او رفتار خوبی نداشت؛ چرا که پتراشویلی پس از پیروزی در فینال، مقابل چشمان او به شکلی نمادین تاجگذاری کرد! زارع حتی او را هل داد اما وقتی مراسم اهدای مدال‌ها بر گزار می‌شد، این دو نفر آنقدر با هم شوخی و خنده کردند که انگار نه انگار نیم ساعت قبل کم مانده بود همدیگر را بزنند. به نظر می‌رسید همه دلخوری‌ها بین دو نفر برطرف شده اما دو روز پیش امیرحسین زارع با انتشار یک پست اینستاگرامی نشان داد که دعوا هنوز تمام نشده! او در بخشی از این پست نوشت: «با شما مردم کشورم پیمان می‌بندم که پاسخ حيله و رندی‌ها را با تاوانی بزرگ بدهم. عهد می‌بندم که نتیجه بی‌احترامی به ایران و فرزندانش پایانی تلخ و هضم‌نشدنی داشته باشد. این، نه تهدید است و نه تحریک؛ یک وظیفه کاملاً ملی و حیثیتی است که سنگینی آن را تا روز موعود روی شانه‌هایم حمل خواهم کرد. تا آن روز اما در انتظار پاسخ به یک پرسش اساسی از جان مایه می‌گذارم؛ چه کسی وجود ایستادن مقابل پرچم میهنم ایران را خواهد داشت؟»! واقعا این حرف‌ها چه معنایی دارد؟ یک رقابت ورزشی را چرا به این سمت و سو می‌کشانید؟ رقابت برد و باخت دارد و پیروزی به معنای ایستادن مقابل پرچم کشور طرف بازنده نیست! امیرحسین عزیز! به جای این حرف‌ها، بیشتر تمرین و تمرکز کن و هر وقت دوباره قهرمان شدی، به جای تاجگذاری و تحریک حریف، افتادگی به خرج بده که بعدا مجبور به نوشتن این جملات صدمن گی‌غاز نشوی!



رفسنجانی قرار دارد که در فصل جدید هم با محرم نویدکیا وارد مسابقات می‌شود. خریدهای این تیم چنگی به دل نزد اما حضور محرم روی نیمکت مس، این بازی و بازی‌های بعدی مس را دبدنی خواهد کرد.

❖ **هوادر-خیبر خرم‌آباد (۱۹:۳۰)**

نتایج ضعیف آخر فصل هوادار کار دست مسعود شجاعی داد و مدیران این باشگاه تصمیم گرفتند فصل جدید را با سیدمهدی رحمتی شروع کنند. این تیم در فصل نقل و انتقالات فعال بود و بازیکنان زیادی گرفت اما به نظر نمی‌رسد نسبت به فصل گذشته از نظر بازیکن تقویت شده باشد.

اما تیم تازه‌وارد خیبر فعالیت بهتری در بازار داشته و نشان داده که آمده تا در لیگ بر ترا بماند. تجربه رضا مهاجری هم می‌تواند این تیم را در راه رسیدن به هدفش کمک کند. بازی با هوادار شروع مطلوبی برای خیبر است.

❖ **مس رفسنجان- تراکتور (جمعه ۱۹:۱۵)**

این هم یکی از بازی‌هایی است که خیلی از اهالی فوتبال منتظر دیدنش هستند. حضور بازیکنانی مثل اسماعیلی‌فر، ترابی، بیراوند و چند خارجی باکار نامه به اضافه چند ستاره فصل گذشته، علاقه‌مندان به فوتبال را برای دیدن تراکتور کنجکاو کرده است. یکی دیگر از جذابیت‌های بازی، حضور دراگان استکوچچ روی نیمکت تراکتور است. در طرف مقابل مس

۲۵۰ فیلم . شمارش معکوس - ۴

کار آگاهان و اغواگران

چهارمین قسمت از پاورقی جدید ما. گذری از ۲۵۰ فیلم مورد علاقه‌ام و در یک شمارش معکوس. شاید انتخاب مثلا ۱۰۰ فیلم معقول تر بود اما هر کاری کردم فهرستم کمتر از ۲۵۰ فیلم نشد. آن دسته از فیلم‌های ایرانی هم که به نظر من جذاب می‌آمدند، در لابه‌لای این نام‌های بزرگ تاریخ سینما ارائه می‌شوند. بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما در این فهرست هستند و بسیاری هم نیستند اما به نظر من همین غیرقابل پیش‌بینی بودن این فهرست می‌تواند از نقاط قوتش باشد!

۲۱۷- مردی از لارامی. وسترن شکسپیری آنتونی مان با یک جیمز استوارت دلنشین و روایتی پرپیچ و خم و استوار. یکی از وسترن‌های خوب دهه پنجاه آمریکا.

The man from laramie. 1954

۲۱۶- حرکت شبانه. یکی از موج نوآرهای کارآگاهی متفاوت دهه هفتاد آمریکا (در ردیف محله چینی‌ها و پلوت و خداحافظی طولانی) با درخشش جن هکمن و ملانی گریفیث ۱۶ ساله (دختر تی پی هدرن و مادر داکوتا جانسون). از بهترین فیلم‌های اُر تور پِن.

Night moves. 1975

۲۱۵- غرامت مضاعف. از مشهورترین فیلم‌های بیلی وایلدر که یکی از نقاط عطف سینمای نوآر محسوب می‌شود. با یکی از قراردادی‌ترین خطوط روایت. فریب و اغوای یک کارمند بیمه توسط یک موبلایی کلاسیک. با دوبازی عالی از فرد مک مورای و باربارا استوتیک و البته یک نقش‌آفرینی درخشان از ادوارد جی رابینسون.

Double indemnity. 1944

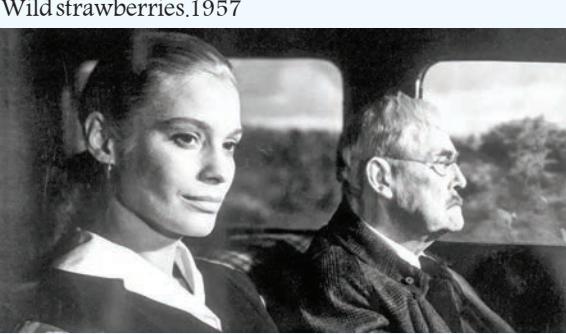
۲۱۴- ونوس موبلایی. یکی از هفت فیلمی که جوزف فن اشترنبرگ با مارلنه دیتریش ساخت. فیلمی که حال و هوای ملودرامیک مشخص و قدرتمندی دارد و خط سیر داستانی‌اش گاه شبیه پاورقی‌های عامه‌پسند می‌شود. یک فیلم تماما استودبویی با همان قدرت جادویی اشترنبرگ در میزانشن و نور.

Blunde venus. 1933

۲۱۳- قلمرو طلوع ماه. یکی از عجیب‌ترین و خاص‌ترین فیلم‌های وس اندرسون. داستان یک پسر و دختر نوجوان که با پافشاری بر علایق و سلایق خود تصمیم به یک گریز ناگهانی می‌زنند. فیلمی در ستایش از مسئله مهم حریم فردی. فیلم نمونه‌ای از وس اندرسون که شیفتگان خاص خود را دارد.

Moonrise kingdom. 2012

۲۱۲- توت فرنگی‌های وحشی. فیلم کلاسیک اینگمار برگمان که البته حالا حاوی نوعی جاه طلبی دمده به نظر می‌رسد با این حال فیلمی انساندوستانه و شفقت‌آمیز است و پیام صلح با خویشتر را صادر می‌کند.



۲۱۱- کشتن دلال چینی. یکی از متفاوت‌ترین فیلم‌های جان کاساوتیس. درباره مالک خودساخته یک نایت کلاب که به خاطر بدهی عظیمی که بالا می‌آورد درگیر یک گروه گانگستری می‌شود و برای نجات بیزینس خود قبول می‌کند که یک واسطه چینی را در نیویورک به قتل برساند. یکی از مزایای فیلم فقدان خانم جنا رولندز در فیلم است که موجب شده تا روایت از آن تکانه‌های هیستریک کارهای مشترک کاساوتیس و جتارولندز آسیب نبیند.

The killing of a chinese bookie. 1976

۲۱۰- سنجاق سر زینتی. یک کمدی نرم و هوشمندانه در دورانی که ژاپن در میانه جنگ دوم جهانی بوده و سندی بر پیشرفت ارکان یک جامعه مدنی در شرق آسیا. داستانی ظریف که احساسات متضاد بیننده را به غلیان وا می‌دارد و در طول فیلم لیخند کمرنگی را بر چهره بیننده می‌نشانند. در یک مسافرخانه بیلاقی فرو رفتن سنجاق سر به جای مانده از یک خانم در استخر آبگرم، به پای یک مرد موجب زنجیره‌ای از واکنش‌های عجیب و غیرقابل کنترل می‌شود. فیلم از حیص ظرافت قابل مقایسه با کمدی‌های لیو مک کری و کاپراست. فیلم را هبروشی شیمیزو ساخته است.

Ornamental Hairpin. 1941

۲۰۹- ایرما وپ. اثر چند وجهی البویه آسایاس با حضور همسر مشهور چینی‌اش مگی چونگ. داستان کارگردانی که می‌خواهد شخصیت ایرما وپ قهرمان مجموعه‌ای از فیلم‌های دوره صامت سینمای فرانسه را دوباره زنده کند و برای بازی در نقش اصلی از یک بازیگر مشهور چینی دعوت کرده است تا با پوشیدن لباس تمام چرم پای در زندگی مخفی جاسوس‌ها و خون‌آشام باگذارد. فیلمی پیچیده و پر از اجاعت کارگردان به سینما و رویا و احساسات فروخته و وحشی آدم‌ها.

Irma vep. 1996

۲۰۸- زیارت. یکی از دلنشین‌ترین و مهجورترین فیلم‌های جان فورد. داستان زنی که پسرش او را برای حضور در جنگ ترک می‌کند و بعد خبر کشته شدنش در جبهه فرانسه به مادر می‌رسد. مادری که نمی‌تواند پسرش را ببخشد اما در نهایت تصمیم می‌گیرد برای دیدار از قبر پسرش به فرانسه برود. حداقل تا قبل از سکانس نهایی فیلم یک شاهکار به تمام معناست و پر از لحظه‌های خاص جان فورد.

Pilgrimage. 1934

۲۰۷- وقتی که او برسد. یکی از بهترین فیلم‌های هونگ سانگ‌سو سینماگر خاص کره‌ای که متخصص ترسیم کردن زیر و بم رابطه‌های مدرن بین آدم‌هاست. رابطه‌هایی که در کافه‌ها و رستوران‌ها و میزهای نقد فیلم و کتاب شکل می‌گیرند و برپای مال‌یرانی‌ها به‌خصوص کاملاً قابل لمس و درک هستند. فیلمی جذاب و شاید بهترین اثر کارنامه هونگ سانگ‌سو.

The day he arrives. 2011

۲۰۶- پاتر پانچالی. فیلم کلاسیک ساتاجیت رای که به سبک نئورئالیست‌های ایتالیایی ساخته شده است و به لحاظ تکنیکی خادمستی‌های فیلم اول را با خود به همراه دارد اما حس مهربانی و انساندوستی عمیق فیلم جایگاه رفیعی به آن بخشیده است.

Pather panchali. 1955

عبور از دالان‌های پرپیچ و خم سیاست

خاطرات خواندنی حسن روحانی از مکانیسم پیچیده انتخاب وزرا و معاونین در سال ۱۳۹۲

➤ ادامه‌از صفحه ۱

➤ از آن پس سعی کردم به عنوان معاون رئیس‌جمهور، معاون وزیر و فرماندار و سفیر ارتقای موقعیت زنان را پیگیری کنم و حتی در رأس برخی سازمان‌های ملی مانند سازمان هواپیمایی کشوری یا سازمان ملی استاندارد از مدیریت زنان استفاده کنم.

➤ از همه متفاوت‌تر پیشنهاد من به آقای عبدالرضا رحمانی‌فضلی برای تصدی وزارت کشور بود. پیشنهادی که نه‌تنها تعجب او را قبول نمی‌کشد. به‌ویژه وزارت کشور که لاریجانی هم رسید ایشان هم متعجب شد... من هم اول می‌خواستم آقای ناطق‌نوری وزیر کشور شود اما ایشان گفت حوصله مجادله با مجلس را ندارد و اصولاً هیچ وزارتی و هیچ مسئولیتی که با مجلس مواجه شود را قبول نمی‌کند. به‌ویژه وزارت کشور که همه نمایندگان درباره انتخاب بخشداران و فرمانداران و استانداران حوزه انتخابیه خود نظر دارند و فشار می‌آورند.

➤ با این رازینی‌ها فهرست کابینه تاحدودی روشن شد و من روز سه‌شنبه یازدهم تیرماه ۱۳۹۲ در دومین جلسه دوفنره پس از ریاست‌جمهوری با مقام رهبری به دیدار آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. موضوع اصلی این جلسه انتخاب وزرا بود. طبق عرف حداقل برای انتخاب وزرای خارجه، اطلاعات، دفاع و کشور لازم بود نظر ایشان را بدانم. این عرف کم‌وبیش درباره وزرای «آموزش و پرورش»، «علوم، تحقیقات و فناوری» و «فرهنگ و ارشاد اسلامی» و معاونت رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی هم توسعه یافته بود اما من کاری به این عرف‌ها نداشتم. من می‌خواستم کابینه‌ام مورد تأیید مقام رهبری باشد و ایشان دولت مرا دولت خودشان بدانند...

➤ بعداً خواهم گفت که من می‌خواستم دولتی از مردان و زنان عالی‌رتبه‌ای داشته باشم که در دولت‌های جناحی ۱۶ سال قبل جناحین اصلاح‌طلب و اصولگرا حذف شده بودند و به همین علت از آقایان ناطق‌نسوری، علی‌اکبر ولایتی، محمدباقر قالیباف، محمد فروزنده، محمدرضا عارف، کمال خرازای و... برای

پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۳ | شماره ۳۸۴۳

انتخاب



➤ در این جلسه رهبری درباره پیشنهاد

دکتر ظریف به عنوان وزیر امور خارجه هیچ نکته انتقادی نگفتند و از ایشان تعریف هم کردند. درباره آقای رحمانی‌فضلی به عنوان وزیر کشور هم تعریف کردند و وقتی در جلسه بعدی معاونت اول آقای جهانگیری را طرح کردم من از ایشان خیلی تعریف کردم. به‌این‌ترتیب سه ضلع سیاسی کابینه روشن شد. اکنون می‌دانستم کار را باید از کجا شروع کنم: از احمد مسجدجامعی در فرهنگ و از محمدرضا باهنر تا غلامحسین کرباسچی در سیاست طرف مشورت قرار گرفته بودند. برای هر وزارت سه تا پنج نامزد با رأی‌گیری اعضای کمیته‌ها به مرحله نهایی می‌رسیدند و توسط شخص من درباره آنان تصمیم‌گیری می‌شد. البته دو نفر بیرون از کمیته‌های چهارگانه وارد مرحله نهایی شدند و به عنوان وزیر معرفی شدند: آقای قاضی‌زاده‌هاشمی برای وزارت بهداشت و آقای من پرسید می‌دانی در آمد من چقدر است؟

➤ از همه جالب‌تر واکنش دکتر حسن قاضی‌زاده‌هاشمی به پیشنهاد من برای تصدی وزارت بهداشت بود. آقای قاضی‌زاده هاشمی از من پرسید می‌دانی در آمد من چقدر است؟ من البته هرازگاهی برای معاینه چشم به مطب دکتر هاشمی مراجعه می‌کردم اما در این گونه مسائل اهل کنجکاوی نبودم و نیستم. گفتیم چقدر است؟ گفت من ماهانه ۴۰۰ میلیون تومان درآمد دارم آن وقت شما می‌خواهید با ۱۰ میلیون تومان حقوق ماهانه مرا وزیر کنید؟! من لیخندی زدم و گفتم البته که ضرر می‌کنید اما ملت از وزارت شما سود می‌کند!دکتر هاشمی از دوستان من در دوران جنگ بود و می‌دانستم که این حرف‌هایش کم‌وبیش شوخی است و هنوز روح ایتثارگری در او هست.

➤ هم‌زمان با این دیدارها با مقامات نظامی و شخصیت‌های اقتصادی روز اول هفته برای دومین بار با آقای محمدرضا عارف دیدار کردم. به او پیشنهاد تصدی وزارت علوم را دادم. آقای عارف البته گفت در دولت کاری را قبول نمی‌کردم.

رتبه‌بندی شد: ده نوجوان هیجان‌انگیز فوتبال جهان

برنده شوی؟ اما کل باشگاه آن را نظر شخصی برداشت کرد فنی، حتی می‌تواند در خط هافبک بازی کند؛ هر چند که مصدومیت پیش فصل، ما را از دیدن فوری بازی او محروم کرده، اما این جوان فرانسوی یک پروژه بلندمدت را استارت زده و استعدادی است که اگر همه‌چیز خوب پیش برود، به اوج خواهد رسید؛ همان خریدی که یونایتد در ۲۰۱۴ سال گذشته به اندازه کافی انجام نداده است.

۵- فرانکو ماستانتونو
سن: ۱۶ سال
باشگاه: ریور پلاته (به‌زودی در رئال مادرید)
بازی او را به شکست‌ناپذیری راجر فدرر در ویمبلدون نسبت می‌دهند؛ وقتی مجبور به محاسبه و مبارزه با عناصر میدان می‌شود تا راه خود را به‌سوی پیروزی بسنجد. توانایی ذهنی و فنی ماستانتونو شگفت‌انگیز و ظرافت بازی او خیره‌کننده است و در یکی از لیگ‌های خشن دنیا، هیچ بازیکنی نمی‌تواند توپ را از دسترس این هافبک تکنیکی خارج کند. این نوجوان آرژانتینی ترکیبی از تصمیم‌گیری آنی و ضربه مرگبار به توپ است. او کی، کجا و چگونه به اوج می‌رسد؟ با پیرانه سفید؟ کمی صبر کنید...

۴- اندریک
سن: ۱۸ سال
باشگاه: رئال مادرید
چیزی که در مورد اندریک وجود دارد، ذکر نام بایی چارلتون به عنوان اسطوره اوست و امضای قرارداد با رئال مادرید در ۱۶ سالگی و موج‌سواری در تیم برزیل با انرژی پله‌ای! این داستان هر طور که تمام شود، در تاریخ خواهد ماند. او جوان‌ترین ستاره سامبایی برزیل بعد از رونالدو است که در ومبلی گلزنی کرده و به تاریخ پیوسته است. در مورد اندریک حداقل تبلیغات به خوبی انجام می‌شود! روشی که او به توپ ضربه می‌زند را نمی‌توان آموزش داد؛ از برخی جهات او غیر برزیلی است و به جای وجه زیبایی‌شناسی، سسردی و بی‌رحمی را انتخاب می‌کند. توانایی اندریک در خلق موقعیت در یک سوم زمین حریف شیهه رونالدو است و این عادت را دارد که لحظات بزرگ را مطالبه کند.

۳- وارن زائر اماری
سن: ۱۸ سال
باشگاه: پاری سن‌ژرمن
او یک شماره ۸ تمام‌عیار است که در سایه مارکو وراتی شکوفا شد، قدرت پرس خود را افزایش داد و آموزه‌هایی در

مورد فضاسازی با توپ و بدون توپ را فرا گرفت. نوجوان پی‌اس.جی فراتر از سن خود است و می‌تواند مثل یک کهنه‌کار سرعت بازی را دیکته کند. او همیشه توپ را در مکانی بهتر از جایی که دریافت کرده قرار می‌دهدو موقعیت می‌سازد. امری آینده‌رانگه‌است؛ هافبکی که مکملی عالی برای شوآتمی و کامپوینگا به حساب می‌آید. با خروج امپایه از پاری‌سن‌ژرمن، او هسته اصلی پروژه جدید پاریسی‌هاست؛ حمله‌های بومی با استعداد تصمیم‌گیری در بزرگ‌ترین موقعیت‌ها به شیوه‌ای متفاوت که از او باز یکنی خاص ساخته است.

۲- آردا گولر
سن: ۱۹ سال
باشگاه: رئال مادرید
ترک‌ها در یورو ۲۰۲۴ پُرسروصداترین تماشاگران بودند و هر بار توپ روی یای چپ این نوجوان قرار می‌گرفت، آنها نیم‌خیز می‌شدند و فریاد می‌کشیدند. در فوتبال همیشه دلیل‌ی برای امر حتمی وجود دارد؛ بردن‌گذا لحظه آخری خوش‌شانس نیستند و آنهایی که سطح بالایی از مسئولیت را برعهده می‌گیرند، موفق هستند؛ همان‌هایی که ضربات انتحاری را وارد می‌کنند و گولر بسیار خوشبخت است که همه اینها را به‌دست آورده است. او مهاجمی کارآمد است، هیچوقت توپ را لو نمی‌دهد و حرکاتش عالی است. در مادرید همه در انتظار این هستند که گولر گام آخر را بردارد؛ امپایه، وینسیوس، بلینگام، رودریگو و اندریک همگی خواهان دقایق آردا هستند و مهم‌تر از توانایی فنی، این ذهنیت گولر است که اهمیت دارد تا لحظات خود را بازنایابد؛ درست مانند آنچه در یورو انجام داد.

۱- لامین یامال
سن: ۱۷ سال
باشگاه: بارسلونا
بر افسانه بارسا تشویق شدن توسط هواداران رقیب به مارادونا و رونالدینیو اختصاص یافته که حالا نفر سومی هم پیدا شده است: یامال! او بدون درنظر گرفتن سنش شاید بهترین وینگر راست فوتبال باشد؛ نه با این دلیل که بارسلونا از مسی جدید استقبال می‌کند، بلکه به این واسطه که حضور او در بلوگران‌ا و تیم ملی اسپانیا ضروری است. این نوجوان ۱۷ ساله در فضاهای تنگ نخبه است و در طول زمین هم استارت‌های انفجاری می‌زند. دید او بی‌عیب و نقص است و می‌تواند جریان هجومی بازی را به میل خود درآورد. البته هیجان چیز خوبی درباره لامین یامال نیست و باید آینده را ببینیم که او چه می‌کند...

روضة حضرت علی‌اکبر بخوانم گریه کنی؟

۱| تمام آن چند ساعتی که به دیدن ابوطالب رفته بودم بغضی سیاه و سنگین، گره شد و بیخ گلویم را گرفت. حتی نتوانستم دهانم را به سوال باز کنم. گفتم کاش روضه حضرت علی اکبر بلد بودم. یا تعزیه طفلان مسلم که برایش می خواندم و دوتایی یک دل سیر گریه می کردم. افتاده بود توی بستر و روزها و شب‌ها چشم دوخته بود به نقطه‌ای از سقف اتاق اجاره‌اش‌ای که شکل یک رطیل زرد به روی گچ سیاهش افتاده بود. گاه دام می‌زد به زبانی که من واژه‌هایش را درک نمی کردم و انگاری صدایش از عصر حضرت یونس و دهان ماهی می آمد و گاه زن و بچهاش از ترس، دکنتر را خبر می کردند که تنددی بیاید و آرامبخشی تزریق کند که فیلان را بخواباند و ابوطالب شیشه‌ها را نشکند. برای تنهایی‌اش سفره ابوالفضل نذر کردم و اجیل مشکل گشا که ای خدا من و تو بزرگی خودت به این شیر بیاروژن رحم کن و آرامش بده. من که بلد نبودم برایش روضه حضرت علی‌اکبر بخوانم تا آرام شود و چشم ندوزد به زردی آن رطیل آواره روی سقف اتاق. اگر آقابلور جلوی چشمم بود می گفتم این ابوطالب را ببین که برقی آوردن چند مدال برنز جهانی و المپیک با جسم و جان خودش چه کرده؟ شاید هم تف می انداختم به مخترع محوم سونا که باعث شده ابوطالب در پیروی این شکلی شود. آنقدر در راه قهرمانی برای ایرانش وزن کم کند که سلول‌هایش دانه‌دانه زوال پیدا کنند. هر یکستم بابت مصائب تلخ همسرش که ابوطالب را مثل بچه‌اش دوست داشت و مجبور بود گاهی راضی شود که مردش را به دیوبونه خانه ببرند. این فیل سیاه‌مست دلپذیر و جوانمرد را. من از پیش ابوطالب گرگ‌ری به زاری بر گشتم و او آنقدر زار زد تا مُرد. بعدش دیگر هر بار که قدم به سونا گذاشتم، بغضی سیاه و دامنِ بیخ گلویم را چسبید که لعنت بر تو و بیش‌لعنت بر تو که از آن ابوطالب شیرواژن من که پشت حرفیان را به تشک

می‌شد.» اما تختی وقتی مرد نبی هم یاقوز شد، گذاشتی و اوقاتم زهر شد و خشک خشک از سونای بخار بیرون آمدم که قهرمانان روز در آن نشستند و قهقهه می‌زدند. دکتر گفته بود این همه جنون و این همه رهاشدگی و این همه مریض‌احوالی و این همه پریشان حالی و این همه آب شدن ابوطالب، ریشه در آن وزن کم کردن‌هایش در مسابقات جهانی کشتی و وزن کم می کرد تا سر وزن برسد و مدال بگیرد برای ایرانش. مثل آن ۴ برنزی که از مسابقات جهانی و جهان‌زده گیل‌اس با وزن کم می‌کرد تا سر وزن برسد و مدال بگیرد برای ایرانش. مثل آن ۴ تا ۶۹۶) گرفت و هر کدامش از طلا، نقره‌ای‌تر بود. قهرمان محبوب من حالا از فرط لاغری شده بود مثل یک نخ دوک. شده بود ساقه، درخت خزان‌زده گیل‌اس و من روضه علی‌اکبر بلد نبودم که، ۲| تمام آن چند ساعتی که به دیدن نبی‌خان رفته بودم بغضی سیاه و سنگین، گره شد و بیخ گلویم را گرفت. حتی نتوانستم دهانم را به سوال باز کنم. گفتم کاش روضه حضرت علی اکبر بلد بودم. یا تعزیه طفلان مسلم که برایش می خواندم و دوتایی یک دل سیر گریه می کردم. پسر رعنا۱ «قیمت‌خانوم، سلاح گنجشک، قهرمان ملی کشتی ایران و صمیمی ترین رفیق مشدیدی تختی در پنجخال‌های خانی‌آباد که غلام‌رضا هر وقت در مسابقات جهانی یا المپیک شکست خورد با نبی، دوتایی ماندند آنجا و عمدا چند روز بعدتر از تیم برگشتند که چشم هیچ هموطنی به چشم‌شان نخورد و از فرط شرم لبو نشوند. غلام‌رضا که پناهگاهش خانه مادری نبی‌خان بود و هر شب را که روی تشک‌های پشمی قیمت‌خانوم که از بادکوبه آورده بود می خوابید کیف دنیا را می‌کرد. چنین بود که یکبار به سروری گفته بود «نبی‌جون! آخه هر کی غیر تو هم رو این تشک‌ها استراحت می کرد قهرمان دنیا می‌شد. هر کی که دستپخت قیمتی قیمت‌خانوم را می‌خورد چسرا نباید قهرمان

می‌شد.» اما تختی وقتی مرد نبی هم یاقوز شد، گذاشتی و اوقاتم زهر شد و خشک خشک از سونای بخار بیرون آمدم که قهرمانان روز در آن نشستند و قهقهه می‌زدند. دکتر گفته بود این همه جنون و این همه رهاشدگی و این همه مریض‌احوالی و این همه پریشان حالی و این همه آب شدن ابوطالب، ریشه در آن وزن کم کردن‌هایش در مسابقات جهانی کشتی و وزن کم می کرد تا سر وزن برسد و مدال بگیرد برای ایرانش. مثل آن ۴ برنزی که از مسابقات جهانی و جهان‌زده گیل‌اس با وزن کم می‌کرد تا سر وزن برسد و مدال بگیرد برای ایرانش. مثل آن ۴ تا ۶۹۶) گرفت و هر کدامش از طلا، نقره‌ای‌تر بود. قهرمان محبوب من حالا از فرط لاغری شده بود مثل یک نخ دوک. شده بود ساقه، درخت خزان‌زده گیل‌اس و من روضه علی‌اکبر بلد نبودم که، ۲| تمام آن چند ساعتی که به دیدن نبی‌خان رفته بودم بغضی سیاه و سنگین، گره شد و بیخ گلویم را گرفت. حتی نتوانستم دهانم را به سوال باز کنم. گفتم کاش روضه حضرت علی اکبر بلد بودم. یا تعزیه طفلان مسلم که برایش می خواندم و دوتایی یک دل سیر گریه می کردم. آقای مهدی کشاورز رفته بود کار گرجم را آورده بود که باهاش مصاحبه کنم. اکبر چنان از دنیا بریده بود که حرف نمی‌زد. حرف هم می‌زد من می‌زدم زیر گریه. آقامهدی شروع کرد از وجنات و فوتبال اکبر آقا گفتن که چه سیم خارداری

بود در تاج و تیم ملی. یک لحظه دیدم او هم دیگر حرف نمی‌زند. انگاری دنیا درمورد بعضی‌ها هیچ چیز کرم و در کیهان‌ورزشی چاپ شد. مصاحبه که چه عرض کنم. روضه حضرت علی اکبر. سنگ را به گریه می‌انداخت. می‌خواستم برای بیرون آمدن از تنهایی و شغافیش اجیل مشکل گشا نذر کنم. یا سفره علمدار کرب وبلا و به مادرم بگویم ادا کنند. اما یک روز خبر آمد که جنازه نبی گنبدیده و در خانه افتاده است. همساده‌ها دیده بودند که بوی جسد بو گرفته می‌آید. رنگ زده بودند به پلیس. مامور‌ها رفته بودند در خانه را شکسته بودند و دیده بودند که آخ نبی دلاورم به پهلوا افتاده است. سه روز در خانه تنها مانده و جسد پهلوان یکپیده هم. همان «نبی‌سلاخ» سفره‌دار که دل گنجشک داشت و روی تشک‌های عالم چه دلاوری‌ها که نکرد. حالا آن طلای جهانی استامبول ۱۹۵۷ و نقره بازی‌های آسیایی توکیو ۱۹۵۸ و نقره فستیوال جهانی ورشو ۱۹۵۵ را الای کدام تشک قیمت‌خانم پنهان کرده بود که سمسار محله وقتی آنها را به بهانه پشم‌های عالی‌اش خرید تا به پنهن‌های بازار چه سیداستمال بفروشد سه گردن اوین قدیمی هم در میان آنها دید که دیگر به لعنت خدا نمی‌ارزید اما نبی برای تصاحب هر کدام‌شان به دهان شیر رفته و از آنجا سالم خارج شده بود.

۴| تمام آن چند ساعتی که به دیدن امیر خان احتشام‌زاده رفته بودم بغضی سیاه و سنگین، گره شد و بیخ گلویم را گرفت. حتی نتوانستم دهانم را به سوال باز کنم. گفتم کاش روضه حضرت علی اکبر بلد بودم. یا تعزیه طفلان مسلم که برایش می خواندم و دوتایی یک دل سیر گریه می کردم. پسر «احتشام‌السلطنه» معروف که روزگاری از ثروتمندترین مردان تهران بود حالا یک پراید فکستنی هم نداشت که باهاش بیاید کمیته المپیک و جلوی دوربین من بنشیند. دوست داشتم پدر پیتنگ‌پنگ ایران که ۲۵ سال خودش یک کله، قهرمان تنیس‌رومیز ایران شده بود (و ۲۵ سال هم پسرش امیر) از روزهایلی بگوید که مجبور شده بود برای فراهم کردن هزینه اولین تیم اعزامی ایران به اروپا، بینصاق قطعه زمین چندهکناری پشت بیمارستان ساسان که از زمین‌های پدرش بود را بفروشد و الا آن هر وقت از آن حوالی می‌گذرد، اهی جگر سوز از تل دل می‌کشد که سینه‌اش را حریق غربی می‌گیرد. داشت می‌گفت رفته مقلنه این زمین را به قیمت امروز پرسیده و وقتی گفته‌اند که چندصد میلیارد تومان می‌شود، سرش سوت کشیده است.

مهدی افخمی

حاج محمد تریلی تنها مُرد

حاج محمد تریلی یک وانت سفید داشت. مغازه‌ای ۲۴متری خانه‌اش بود. بغل مغازه آقای نیکسرو، معلم سالان پنجمی‌ها زندگی می کرد. یکی از چیزهایی که همیشه دوست داشتم‌هایش داخل مغازه بود. وقت‌هایی که همراه غلام به سفر می‌رفت و به قول خودش به کشتی‌های گندمکش آمریکایی سر می‌زد؛ صبح‌ها وقت رفتن به مدرسه، وسط قلعه، راه کج می‌کردم و چشمانم از لای دو دستم دوربین می‌کردم تا از لای تکه‌روزنامه‌های پاره که به شیشه چسبانده بود، تویش را ببینم. زیر آفتاب سوزان اردبیهشت، وقتی همراه دخترها رویه‌روی منبع آب روستا ایستاده بودیم و دهن‌هاشان باز قفلات ریز آب را که از منبع سرازیر شده بود و باد با خودش آورده بود را می‌خوردیم- و خنکابیش را روی گونه حس می‌کردیم؛ صدای بلندگو روستا بود که از مردم می‌خواست توی مسجد جمع شوند.

-اهالی محترم روستای کاریزنوا!
دوبار شیخ حسن این را می‌گفت.
-برای تشییع جنازه مرحوم محمد تریلی ساعت ده صبح در مسجد حضور به هم رسانید.
دخترها روی در مدرسه سوار شده بودند و جاده را می‌پاییدند که ببینند خانم معلم از اتوبوس‌های مشهد که به سمت تربت جام می‌رود پیاده می‌شود یا نه؟
اهالی روستا تندوتند از کنار در رد می‌شدند.
بابا را دیدم که وسط بود و راستش غلام و چیش حسن بی‌دندان و به سمت منبع آب

احد بابایی منیر

یک‌روز همه ما آلزایمر می‌گیریم و نفس کشیدن، یادمان می‌رود!

تقدیم به: اکبر پژمان که برابم از دیروز‌ها گفت!

۱| لوطی‌ها و داش مشدی‌های زیر بازار-چه معتقدند: «وُل و آخر همه سنسان‌ها، خودشه!»
ادمیزاد شیر پاک خورده را می‌گویند! سفت و سخت بر این باورند که:
«از بی چشم و رویی که زل زد به خدا و از آن دور از دسترس‌ترین شاخه «درخت ممنوعه»، «قدغن‌ترین سبب» را چید و گاز زد به این بزرگی! هر چه که فکر کنی بر می‌آد!»
ادمیزاد، همزاد فراموشی است.
از این موجود دویا، وفا مچوا!
«کلاه مخملی‌ها»، کمی تا قسمتی! حق دارند ولی فقط در محدوده همان «کمی‌تا قسمتی» و نه بیشتر!
این درست است که: آدمی، نفس کشیدن و زیستن بی‌دغدغه در «جنان عدن» را - به راحتی سر کشیدن لیوانی آب- به فراموشی سپرد و پس از آن، فراموشی‌اش به فراموشی، ولی کدام آدمی را سراغ دارید که آن «نگاه نخست» و «سلام پیچیده در شرم» و «گونه‌های سرخ از خجالت»، آن «خستین چشم» در چشم شدن، سر پیچ کوچک» را از یاد برده باشد ؟!
فراموشی، فراموش شدن و فراموش کردن ،

می‌رفتند.

وقتی آقای حیدر زاده رفت فهمیدیم که مدرسه تعطیل است و از خانم معلم خبری نیست. من هم بدو کیفم را برداشتم و دودیم تا زودتر خودم به مغازه حاجی پناهی برسانم و با ۱۵ تومانی که ته جیبم یک نوشابه زرد بخرم. اما زیر منبع آب، کنار مدرسه، غسالخانه شلوغ بود. لای جمعیت خودم را گم کردم تا غلام و بابا من را ببینند. رمضان غسال‌های ایستاده بود. موتور هوندای ژاپنی نقره‌ایش را در پناه دیوار مدرسه گذاشته بود. تسبیح شاه مقصود سبزرنگش را می‌چرخاند. از پنجره کوچک پشت غسالخانه می‌شد همه چیز را دید. شیخ حسن لیف را توی دستش کرده بود و به بدن حاج محمد می‌کشید. غلام هم بود.

ایستاده بودم ونگاه می‌کردم که ناگهان رمضان مچ دستم را گرفت.
-بابا این رو بچه!
درست همان سه چهار نفر توی غسالخانه با شیخ حسن. بعد از اینکه تابوت سیاه روستا که خیلی با آن تا قبرستان رفته بودند را بیرون گذاشتند، در حالی که حاج‌محمد را کفن پوش کرده بودند و صورت بازش به سمت من بود و سبیل‌هایش هنوز زرد بود، لنگ بسته بودند به کمرشان و روی سکوی سیمانی در غسالخانه شیلنگ را به نشان گرفته بودند.

اولین بار دستشویی نشستن را توی خانه حاج محمد دیدم. با غلام زیر سایه کفی وانت سفید حاج محمد نشستیم بودیم. غلام با چاقوی

نعمتی است که به این سادگی‌ها، نصیب هر کس نمی‌شود:

انگور‌ها می‌رسند

من

پیر می‌شوم

شعر تازه‌ای نگفته‌ام

تو

فراموشم نمی‌شوی

و یک عالم گریه

روی دلم مانده است!

۲| سر هیچ گردنه‌ای هیچ غارتگر قومه کس نمی‌شود:
انگور‌ها می‌رسند
پیر می‌شوم
شعر تازه‌ای نگفته‌ام
تو
فراموشم نمی‌شوی
و یک عالم گریه
روی دلم مانده است!
سر هیچ گردنه‌ای هیچ غارتگر قومه به دستی با کاروان آن نمی‌کند که روزگار با تن و جان آدمی!
اینهمه زخم تاسور بر سر و صورت همه ما، کار «دست پر از شقاوت روزگار» است که دشنه بار جوانی‌مان کشیده‌ها
باور کنیم که این خود شمااید آقای بقایی؟!
چ آن مرد جوان که از پشت شما را بغل کرده است، کیست؟
اگر چه خیلی شباهت ندارد ولی شاید هم خود اوست: پهرنگ پسر تان، نوه زنده‌یاد مرتضی خان احمدی!
خیلی‌ها شما را به عنوان چهره هنری از استنسا گیلان می‌دانند با این که در تهران یا به «صحنه زندگی» می‌گذارد:
تقویم ۱۷ تیر ۱۳۳۲ را نشان می‌دهد!

۵| تمام آن چند ساعتی که به دیدن نادره خانوم رفته بودم بغضی سیاه و سنگین، گره شد و بیخ گلویم را گرفت. گفتم کاش روضه حضرت علی اکبر بلد بودم. یا تعزیه طفلان مسلم که برایش می خواندم و دوتایی یک دل سیر گریه می‌کردیم. در خانه سالمندان ولنچک داشت کاموا می‌بافت و از هر چه فوتبال و فوتبالیست بود نفرت پیدا کرده بود. چند وقت قبلترش در تنهایی مطلقش پایش شکسته بود و کسی نبود به بیمارستان برساندش. آخرش همسایه‌ها به دادش رسیده و بعد دیگر دیده بودند خانه سالمندان از همه جا بهتر است برایش. حسین صدقانی -پدر فوتبال ایران- چه می‌دانست مرگ غم آلود همسرش نادره کهنمویی در آسایشگاه سالمندان ولنچک رقم خواهد خورد. دختر تنجیب‌زاده استامبولی که زندگی اشرافی‌اش در کنار قصرهای ایاصوفیه را رها کرده و از راه بغداد با درشکه به تهران آمده بود تا همسر مردی شود که تمام زندگی‌اش در فوتبال خلاصه بود چنان از فوتبال که باعث زندگی فقیرانه او شده بود دل‌زده بود که مار گلولی زن و بچه‌اش زده و خرج فوتبال گریه می‌کرد. برای آن آینده نیاودخته بود. بخشایش‌گری که از سر این چیزها بود که در نظر نادره خانم هیچ چیز بی‌وفاتر و نفرت‌انگیزتر و متخاصم‌تر از فوتبال ایران و بچه‌های بی‌وفای آن نبود. این عاقبت زندگی همسر مرد تاجرزاده‌ای بود که در اولین روزهای تشکیل

حمید رستمی

حیف از آن موهای تو!

۱| «شاه صنم، زیبا صنم، بوسه زبم لب‌های تو.... ایریشم قیمت ندار، حیف از آن موهای تو!» این‌ها را مادرش، وقتی چیده بود، می‌خواند. وقتی دختر بچه‌ای بیش نبود و درون تشت آب‌تنی موهای خیس بلندش را شانه می کرد و می‌بافت، می‌خواند: انگار آن روز، سال‌های سال بعد را می‌دید می‌کرد ختت یک دانه‌اش با پای پیاده از این سرر شهر به آن سر شهر می‌رفت تا ساعاتی دور از زندان خانگی که برای خود درست کرده خلاص و غربشتن را با چشمشان آشنایی خویش و قوم و قبیله‌ای، شریک شود. جایی که اگر ۱۰روز هم غیbish می‌زد، کسی دلتنگش نمی‌شد. برایش به آب و آتش نمی‌زد، پیگیری نبود که کجا رفته و کی برمی‌گردد، گاهی انگار نبودن، عین بودن است و بودن عین نبودن!

۲| از آنجا که جوانی برف است و آفتاب تموز و اندکی ماند و دختر جوان غره، خیلی زود خورشید جمال غروب می‌کند و آدمی می‌افند در سبزابریزی این را شاه صنم و مادرش وقتی فهمیدند که برای اولین‌بار یکی از خواستگاران بیوه مردی بود ظاهر‌الصالح. هر چه بود، زیاد به روی دوشش نیاوردند و با جوابی منفی و همیشگی مهمانان را بدرقه کردند ولی تا خود صنم، خواباش نبرد. یعنی به این راحتی همه آن آرزوها بر باد رفت و زبن پس باید خود را آساده پذیرایی از مردان زن مرده و اجاق کور کنند؟ نه، امکان ندارد و این چنین شدد که ۱۰-۱۵ سالی هم این‌گونه سبیری شد تا اینکه کلا پای خواستگار جماعت از در خانه قطع شد و همه به این سرنوشته اجباری تن داندند که قرار نیست عروسی به کوه‌چاه صنم بیاید و کام تلخ مادر پیر به نقل و نبات عروسی شیرین شود ولی دیگر نه مادر آن مادر قوی شوکت قدیمی بود نه شاه صنم! هر دو انگار چوب از دستشان افتاده بود و حالا اختیاردار خانه، عروسی غربتی بود که صبح تا شب به آن‌ها امر و نهی می‌کرد و بشین و پاشو می‌گفت و جوری وانمود می‌کرد که جایش را تنگ کرده‌اند. آنها در نهایت یأس از پنجره کوچک خانه هر روز هزاربار کوه‌را را دید می‌زدند که شاید بنده خدایی، پس کلاهش بزند و کوبه در را به صدا درآورد و ملت بخواهند کله قندی در این خانه تنگ و تاریک بشکنند!

۳| یک روز که دیگر خیلی‌ها یادشان رفته بود شاه صنمی وجود دارد، خبر آمد که به عقد مردی زن طلاق داده شهری را ۴-۵په قد و نیم قد درآمده! خیلی زود خنده بر لبان شاه صنم بر گشت، شد همان دختر جوان ۲۰ساله با هزاران آرزو و شور زندگی! او در ۵۰سالگی چنان برق امیدید در چشمانش درخشیدن گرفته بود که یقین دارم هیچ زن ۵۰ساله‌ای سال‌هاست آن برق چشمان را تجربه نکرده! برای بچه‌های شوهرش، مادری تمام و کمال بود، سرشان را شانه می‌کرد، لقمه مدرسه می‌گرفت، لباسشان را رفو می‌کرد و تمام آن هنرهایی که در دهه‌ها دانش‌نشیسی یاد گرفته بود، به کار می‌بست تا همه انگشت حیرت به دهان بگیرند از این حجم کدبانوگری! در حالی که تمام جزئیات زندگی‌اش را با آب و تاب به هم سن و سالان نوه‌دارش تعریف می‌کرد، اعتراف تلخی هم داشت: مینی بر اینکه اگر می‌دانستم از دواج چنین است، ۳۰سال به تاخیرش نمی‌انداختم! مادر با دیدن سبختی دردها، است و سر راحت به زمین گذاشت و یک روز صبح، دیگر بیدار نشد. انگار تنها آرزویش، سروسامان گرفتن دختر چشم رنگی‌اش بود و بعد از آن دیگر کار خاصی نداشتد در این دنیا تا به خاطرش غروئلندهای عروس را تحمل کند.

۴| این یکی، دو سال آخر به اندازه یک قرن گذشت که یک شب خبر دادند شاه صنم در بیمارستان بستری شده و متعاقب آن به صبح نرسیده، ریق رحمت را سر کشیده و تمام! انگار همه نفس راحتی کشیدند تا دخترک سفیدروی چشم‌رنگی که روزگاری از یک ایل دلبری می‌کرد حالا یک گریه کن درست و حسابی هم نداشته باشد! خسته نباشید مسلمانان! که حتی پیگیر هم نشدید آن شب آخر در آن اتاق سرد و نمور چه گذشت! آیا غمباید کرد؟!
دق کرد؟ چیز خورد یا چه؟ که در اوج میناسالی بی‌هیچ پیش‌زمینه‌ای، غزل خداحافظی را خواند و چون ساری از درخت، پرید؟ چند روز بعد، کمتر کسی یادش آمد که آیا شاه صنمی بوده یا نه! حتی دیگر «آشیق غریب» هم در قصه‌های عاشقانه‌اش اسمی از او نبرد!

ای زنان اورشلیم! بر من گریان نباشید، بلکه به سبب فرزندان خود!
یازا اگر تا به این حد از شقاوت با «چوب تر» که بودند، بر چوب خشک چه خواهد گذشت ؟!
تولد در «شعرت آباد» تهران، تله بود جناب بقایی! کسی با شما ز «محت آباد» سخن گفت:
جهنم زندگی که در انتظار همه ماست!

۳| پایان همه قصه‌ها -قصه‌های همه! فراموشی است.
جوری فراموش می‌شویم که انگار اصلا از روز نخست، نبودیم. و آن روز، «روز آخر»، تصویرهای در آینده‌ها، غریب‌اند و پاسخ تمام سلام‌ها: بخشید شما ؟!
و خواب‌های شیرین و رویا‌ها، حتی کابوس‌های مان فراموش می‌شوند، مانند نامه‌ای که یک‌روز از یک جایی برای کسی در جای دیگری پست می‌شود و هیچوقت به دست چشم انتظارش نمی‌رسد!
فراموش می‌کنیم و فراموش می‌شویم :
یک‌روز همه ما
آلزایمر می‌گیریم
و نفس کشیدن
یادمان می‌رود!**شعرها از: احد بابایی منیر**